



مذكرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه (۳۳) اسفندماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب :

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل -
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان ضابطی - تبریزی - کبیری - آموزگار - ارسنجانی و بانو جهانبانی .
- ۳- تقدیم يك فقره لایحه و سه فقره اصلاح بودجه بوسیله آقای معاون وزارت دارائی .
- ۴- تصویب صورت جلسه
- ۵- تقدیم دو فقره سؤال بوسیله آقای دکتر وجدانیا .
- ۶- طرح گزارش شود دوم کمیسیون راه راجع به تأسیس شرکت هواپیمائی ملی ایران .
- ۷- قرائت دستور و تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت نهم صبح مراسم آقای مهندس عبدالله ریاضی تشکیل گردید

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل -

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

آموزگار - مهندس ارفع - دکتر اسدی - پرویزی -

دکتر خطیبی - سرریب پور - مهندس صدقیانی - دکتر

میرزا

غائبین مریض - آقایان :

ابراهیمی - احتشامی - اهری - توسلی - جاوید -

دکتر دهضایی - مهندس زنجانی - فولادوند - مهندس

کمانگر - موقر - صیری - تیمسار همایونی .

غائبین در رأی مربوط به برقراری مستعری درباره

وران مرحوم بهمن بهمنی فشقائی - آقای : طباطبائی

پشدرائی - آقای آقایان پشدرائی .

۲- بیانات قبل از دستور: آقایان ضابطی - تبریزی -

کبیری - آموزگار - ارسنجانی و بانو جهانبانی

دلش - انقهای قبل از دستور را شروع میکنیم

آقای ضابطی تشریف بیانورید .

ضابطی: با کسب اجازه از مقام معظم ریاست بطوریکه

خاطر نمایندگان محترم مستحضر است پس از انقلاب

مقدس شاه دولت تعول عظیم و دامنه‌داری در تمام شئون

اجتماعی مملکت پدیدار گشت بنحویکه ترقی همیشه رفت

سریع کشور ما مورد بحث محافل کشورهای خارجی قرار گرفت

و نظائر آن را بین زارعین و باغداران تقسیم نمایند
و در غیر این صورت فلاحت معدوم در مرزها مستور شود کما در
نایند موهوبه ۵۰۰ خرداد مدرا باشند و آلبان درهین
های فرعی حوت آبپزی زراعت کندوزان آماده نمودند
و الاخره کوه خندان را آبی به کشاورزان و باغداران وارد
آید از اینست آبشار بیهدمدار خواهد بود.
در بیان غرض است در این روزهای آخر سال ۴۴ و
آستانه سال نو که بیش از هر وقت نمائنده در این مقام
قدس ثلاثی و موهوبیت ذات مبارک شادمانه آبره و
عطا حضرت شهادتی منظم و با احترام همایونی و لایسته
علمی و عموم مسلمانان جهان خاصه مشهورین را عزیز
و نمایندگان محترم را از درگاه خداوند متعال مسکن
دارد (احتسب) .

دلیس - آقای آموزگار فرمودند (گفته شد -
تشریف بفرمائید) آقای کبیری تشریف بیارید.
کبیری - سلامه از جن الرحیم: و قال الحمد لله
سیریک آینه صغر قوهها و مداریکه بظاف عما تتولین
نیست رمت غافل از آینه کشند
یا تو ایشان از پند و ناسند
یا سبک اجزیه از مقام منظم و راست و همکاران
محترم:

در صافرت اخیر به کرمانشاه بمشاسبت شرکت در
مراسم آغاز تأسیسات آبرسانی ازرق سو بوسیله شرکت
اوله کش آب کرمانشاه در مین برست و شاه دوست
کرمانشاه و همکاران عزیز مرآ آبروش خواستند که
باز دیگر مستغنیان برین آبیزار عرض مجلس شورای
ملی مرزبان بوجه دولت آبرای تأسیسات دانشگاه در منطقه
غرب جلگ نامی هانطوری که خاطر ما بنده گان محترم
مستوی است هنگام طرح بوجه سال ۴۳ در این مورد
ندگزی به دولت قنداد بود آوردم که کمابدری به بشر
رسانیدن غلاب خفس شلموم در جوالج عمه مردم بوجه
یوقوبا یا نعیام به مالیات مبارک کرد.
هیچ دلیل ندارد که مردم نجیب و زراعتش غریب
که از هر جهت شایستگی دارند در داشتن دانشگاه محترم

مانند تصور میکنم مرزها در صورت جلگه ۹۰ مذاکرات
مجلس شورای ملی شرط باشد
یکی از دلایل مهاجرت اهالی غرب کشور طهران
همین موضوع است تا کی باید قریب ۵ میلیون جمعیت غرب
ایران بماند بیسبب دانشگاه و کشاورزی نمایند (صحیح است) .
فقط مانند کان منجره با نظر دارند که در تاریخ
۲۴۴۵ از سال گذشته ما بزرگ درهین کلک خفس
موضوع تاسیس دانشگاه غرب نفاضا شد حتی استفسا
نموده ا که خلا تأسیسات دانشگاه بر اجودت در غرب کشور
میر نیست برای جلوگیری فوری از مهاجرت صومعه مردم به
پایتخت چند دانشگاه مؤسسه علمی را به آلمان انتقال
دهند که از آنجا انتقال دانشگاه کشاورزی بکرمانشاه
بود مرزبان به عرض خواهم در صورت جلگه ۱۲۷ مجلس شورای
ملی مطبوع است .

هر چند افاضاتی در مورد پیشنهادات اینجناب
بسل آمد ولی متأسفانه از اینجاست که نمایانگشت مقبولات
هرگز نیست فقط در پایتخت مملکت شمر کرده است
صاحب نظران حاضر نیستند زگی طبران از آنرا که گویند
و در شهرستانهای محروم از آن مرزبان زندگی نمایند و
بهر حال آلودگی نفاذ منافع و صالح شخصی را فدای
منافع عالی کشور نمایند!

از طرف دیگر مردم هم نمیتواند بیش از این بوجه
های امروز فرودا سرگرد باشند .
من حق دارم بنام یک نفر که کرمانشاه افتخار نظیر
کلابه نامی و مرصه اعلام کش که نسبت بکرمانشاه و
کرمانشاه و مردم یک استان درخیز کشور تا کنون بر
اصافی شده است (صحیح است) سزایار نیست یک استانی
که مهم بسیار بزرگی ایجاد می و در آمد کشور را تأمین
مینماید از هر جهت امانتد و قضیت از سایر ایالتها باشد
شایسته نیست مردمی که به دریغ خاطر با ازرق
خود را که همان نفت و بنزین و سایر مواد استثنای گمان
در اختیار میکنند بکارند آنها فقط از روی تکبر این
همین بمانند و بس!
اگر مردم خویشیت آبادان از یک طرح زبانی
شهری و برقی آب و گاز بایالتی که برخوردارند متأسفانه

بایالتی که مرزاته که از نصف نعمت یکبارن غت آن
سازمان بهائی که قدر است صرفا فقتهترین کشور آلمان
عبود از این چنین بود سر از آن استان استفاده میکند
حتی از برق آب هم نسبت ب مردم کرمانشاه بنامند و است
اگر شرکت ملی نفت در هر سال مبلغ پنج هزار مری هم
برای عمران و آبادی آنجا مانع بود موضوع اجتماعی آن
مردم مستغور میبوند امروز استان کرمانشاه و
یکی از آبادترین استانها و مرصی سادافند بودند
من ایوبوم در سال ۴۵ و سالهای آینه شهر
کرمانشاه دارای پانصین بیروستمانده که بتواحد حقوق
مردم را از شرکت ملی نفت تأمین نماید .

بهر حال مردم کرمانشاه اهالی استان چشم جفا
از دولت و نمایندگان خود نشانادند که نسبت تاسیس
دانشگاه اقدام انسانی در سال ۱۳۴۵ بصل آید همکاران
محترم و عزیز نمایند که غرب کشور بنامند کلک خفس
استان کرمانشاه به یکدلویست تان از دولت خواهم
کمباری تحقق بخشدین به این آرزوی درین مردم غرب
نوجه عاجل بقولدارد .

هر چند بنده نشین منفا کرمانشاه باقیه مردم
موضوع نبودن استاد و سایر مشکلات نمی را یاد آوردم
و مصطورات را در یک جلگ شرح نمودم اینک ما نوجه
بنام اشکاف و مقبولات دولت پیشنهاد مینمایم با تأسیسات
دانشگاه شرح زیر مقدمات بنای دانشگاهی بنام
الاحسرت والا کیم و لایستهها راهپایوی را در مرکز
استان کرمانشاه فراهم کند (صحیح است) ناخدا ناخدا
از تشریح جوانان تحصیل کرده مرزبان گفتی به مین
تیز و رفیع نیاز از استقلال استود بنامی کشیده تکمیل
دانشگاه بنویساد راهپایوی در غرب اقدام شود
۱ - تأسیسات دانشگاه کشاورزی در سال ۱۳۴۵
بوسیله دولت .
۲ - تأسیسات دانشگاه منحنی نفت بوسیله شرکت
نفت .
مقدمات کار تأسیسات دانشگاه کشاورزی مستغنی
از هر جهت فراهم است و مردم همباری هر گونه مساعدت
و فاعلاری آمادگی دارند .

در ایوبورد غوماها و نفاضای زیادی برسد است
کمین احصایات بانک مدغنی شهسوار بر مرزبان است .
ایشان به ذکر مندرجات دوست از آنها گفته
میشود:
۱ - نامت باطنی از طرف بانک قرضی تراشند کرمانشاهی
که در دهه های اخیر و تقیقه مینماید عیناً فرات میبندم .
۲ - دو حفره عمده ۱۹۰۹ و ۲۴۳۴ و ۲۴۴۵ از بلایز گانی
است که پس از فراغت عیناً تقیه مقام ریاست مینماید .
ایوبورم بزودی بتوانم از اینست همین بیرون تیشه
اقدامات مبتدیه دولت و شرکت ملی نفت را به استحضار
نمایند کتاب مرزبان و مرصی ایوبورم ایوبورم خفسانی
مردم سر تراشند کرمانشاه را شناسا و مرزبان وارد
فصلانوفان : هر بایسته شرح مساحبه جناب آقای
سایور استامپار کرمانشاه مندرج در روزنامه های عمر
تهرانی تأسیسات دانشگاهی در کرمانشاه مستغور استفاده
اهالی منطقه غرب ایران مورد تأیید و تصویب است مرم
دولت قرار گرفته است نظیر به اینکه همگنی و اشتراک
مسای مردم در کارهای عاقلانتمه و فرهنگ سرور در دارد
و با طرح شرقی کار مردم بدست مردم نیز منطبق است
در این هنگام که دولت با تصویب تأسیسات دانشگاه
کرمانشاه اقدام اساسی را بعمل آورده است بنام کلک خفس
ایران از اذهالی کرمانشاه پیشنهاد مینمایم که افراد حلت
ایران خصوصاً اهالی استانهای کرمانشاهان و
کردستان و قریبمانند برای کل همدان و ایلام با اخص اهالی
محترم کرمانشاه متفلا کامی بهیش نامدو با ناهذا ازین
دوجه بدست بصل قابل توجهی که درخور این اثر خطی
باشد در حسابی که بدین منظور در شعب بانک ملی ایران
باز میگردد و ازین با در اختیار هشتادانه دانشگاه قرار
دهند دانشگاهی همجز کم حد کافی شامل پنج دانشگاه شرح
زیر ۱ - دانشگاه کشاورزی ۲ - دانشگاه پزشکی ۳ -
دانشگاه صنعتی ۴ - دانشگاه ادبیات و زبانهای خارجه
۵ - دانشگاه علوم ایلامتجهت استفاده مردم سراسر
کشور بنصوم منطقه غرب ایران برای سر کرد و همچنین
پیشنهاد مینمایم که این دانشگاه بنام (دانشگاه یستون)
که زنده کشیده افتخاران باستانی ایران است نامگذاری

شود اولی دولت حاصلت که عرض کرده پیشنهاد می‌نمایم تا نامتفکر کورس پهلوی جدید خود را بر آوردن پهلوی زنده کندس اقتضای ایران باستان از ایستون از ایستون از ایستون قله غلام مبارزه که در اجزای این هدف بدینوسیله سه حاصداری وزارت دادگستری و وکالت می‌دهد که در تصدات سال ۱۳۱۵ ماهانه مبلغ پنجصد ازین اجماع تصدات زوال آ که هر چند ناچیز است لیکن در حدود امکانات می‌باید از حقوق اینجاب کسر و بحساب دانشگاه، بیستون مسطور نمایند نیز از کلیه افراد بی‌تاییدتی و علاقتند بمل و فرهنگه در سراسر کشور بخصوص متعلقه غرب و همینست از ناخداها امن و باشگاهها و بنیادهای فرهنگی در نمایران از مذهب بی‌بانی بناید که در این امر ملی بهنگامی مهم به جهانیت ثابت نتایج که ملت ایران نه تنها در امر مبارزه با بی‌وادی و جعل و در سر بیستند است بلکه تقسیم قاطع وارد که در همستون اجتمعی در رویه گزینش و پیشرفت قرار گیرد و این تصمص خود را عملی خواهد کرد و همینست بامه تکثیر ایرانی اعلام می‌دارد که بر ای غنسی دانشگاه در استادهای گیلانو مازندران و آذربایجان غربی و کرمان و سایر تقذیق که استناد و احتیاج به تأسیس دانشگاه دارند خود میدهند خود را خود خیر و بر عهده کمک و همکاری هستم و بخاطر عظمت و پیشرفت ایران و ایجاد اجتماع و زنده گی بهتر برای اهل حاضر و آیندگی می‌نمایم آرزو دارم به این نای فرهنگی که نای طلی هم مردم خرد اندیش و علاقتند به ایران است بابت مشت دادستد و در این راه بابت پیشرفت و رفاه ملت ایران بخصوص مشهوران خود که مستقیماً در دفع غمخیزان و آیداد و آرزو هستند که هر زمان با آغاز جنتی ۵۰۰۰ ساله شاهنشاهی دانشگاه بیستون کرمانشاه افتتاح گردد.

دی ماه ۱۳۱۵ امجدی - ششمی - قاض دادگستری -

نمای است که از اطاق بازگاری کرمانشاه رسیده است که نمایران بیستون با بیستون مستشرقان در صورت جلسه مسووع سیزده بین‌نامه جاری اطاق بازگاری کرمانشاهای مستشمه است آنجیناب هم بنوبه خود در این مورد اقدامات لازمه را بخاطر فرموده و این استان

را می‌سازد فرماید. با تقدیم احترامات فائده رهنجین نامه ای است که نمایران جناب مستغذرتی از اطاق بازگاری کرمانشاه و رونوشته آن را بر منده فرستاده اند که عیناً تقدیم مغایر باست می‌کنم. **توسیس - آقای آهوز کارفرماید.**

مختصراً در خصوص ایراد پهلوی در مورد سواحل جنوب و جزایر فرخنده و سیاه کی و بوذرا و الاضررت شادعت شس پهلوی خواهد و الاگوها اختصافاً را می‌برد. و افتتاح تأسیسات جمیت شیر و خورشید سرخ بوهر و بزازجان و بند لنگه را با خود مژین فرمودند.

در این باره در جنبانیا ایراد پهلوی بیشتر مفره فرهنگه و حتی همسر والاضررت و تیسرا یا گردان وزیر مشتمر اطلاعات و جنگ آقا و دکتر خلیسی نائب رئیس مجلس شورای ملی و مدیر عامل جمیت شیرو خورشید سیاه ایران رضایتی در این جمیت شیرو خورشید و شیرو ایالتی عمران امداد بنادر بوهر اثر شرکت دانسته.

مراسم بزرگ و افتتاح تأسیسات ساخته شده است قدر با شکو می‌سازد بود که جزوق واحسانت شادعتی و بیرونیش اهلانی بنادر سواحل و ایزان خفتلانی نیست شاهنامه آریا مهر و خدعتی که انجام شده چتر دیگر پیچتم نیخورد.

خلاف بود که این محاسبات و توشووشو در در پر تو به نایب شادعتی و اقاماتیکه شده است برین مجلس تر می‌نویسم جهت نماند از طرف خود ساری نامیده گان این حوزه که حاضر و نظری بود ام لازم دانستم گزارش جریان را به استحضار همگان ارای کنم.

تحول اساسی و تقییری که در هر یک با شادعتی در مقام شون ملکت موجود آمده از یکطرف و توجه و التفات خاص که به بنادر و جزایر و سواحل خلیج فارس جنرال فرموده اند امسج است از طرف دیگر موجب گردیده است که در این جنجال اخیر دولتها و دستگاههای مختلف ممالک اتحادیه و بی و قوتی را در برابر قاطع شروع و انجام دهند و این جده که طول آن از شصت و یکروز تجاوز است و اکنون صف آن تمام شده قابل امدورت است بش اطلاق در این فاطل خاص دورا افتاد مسووم مشهود باشد.

قستی از این تأسیسات که در همه کاشته بدست سازد والاضررت نیکوکار افتتاح کرده کاشته بود که سازمان عمران امدادی جنوب وابسته به جمیت شیر و خورشید ایجاد داد و در واقع خدمات و اقامات بود که تحت ریاست عالی والاضررت شادعت ایجاد کرده است. برای مدینه استحضار همگان بیشتر برین امر صادق است که شورای عمران امدادی بنادر و جزایر جنوب به امر شاهنشاهی آریا مهر صورت یک تکمیل می‌گردد. بنادر استاده و تظلیق و ترسگر خدمت و امکانات سازمانهای دولتی و ملی برای دفع مشکلات استثنائی مناطق جنوبی کشور دریا به پریم شیرو خورشید وجود آمده است.

این خورا در رجوع امر با استنده از امکانات اقتضایات شیرو خورشید و وسیعاً از کمک‌های نماندگان بر عهده و راهنمایی سایر وزارتات خانه ها برای ایجاد کار و ساختن راه سلطی و مشورتات مجلسی و فرهنگه ایاری قضای خود را صورت بسیار مقوم و مؤتمنی شرو و انجام داده و می‌دهد.

چند ضرورتی و عقب ماندگی این مناطق منصوصاً باینده که حوزه انتخابیه بنده زیاد است جناب آقای مهندس ریاضی ریاست محترم مجلس شورای ملی در درود قبل از آنرا در محمل متاعه فرموده اند و احتیاج و فعالیت فوق العاده در راه دولتی باستی سرحدات و یا کمال صورت بر این برسان که همین کارگزاران ایجاد شده در دست اقدام است بکلی قیافه وضع متعمر اینوس سوده و تحریک امید در مردم جوسل وجود آورده است و نه تنها ساکنین سواحل بنادر از ترک مسل خود اصراف حاصل کرده اند بلکه مهاجرین ندرتیباً متوال فرامحت بعمل خود هستند و برین نواحد گذشت که سواحل از بشاد خلیج فارس عظمت دسر برین خود را باز خواهد یافت (اشغال).

از جمله کارهایی که شورای عمران امداد ایجاد کرده و می‌دهد یکی ساختن راه ساحلی بین بندر بوهر و بندر انگکاست این جده که طول آن از شصت و یکروز تجاوز است و اکنون صف آن تمام شده قابل امدورت است بش از جمله کارهایی که در همه کاشته بدست سازد والاضررت نیکوکار افتتاح کرده کاشته بود که سازمان عمران امدادی جنوب وابسته به جمیت شیر و خورشید ایجاد داد و در واقع خدمات و اقامات بود که تحت ریاست عالی والاضررت شادعت ایجاد کرده است. برای مدینه استحضار همگان بیشتر برین امر صادق است که شورای عمران امدادی بنادر و جزایر جنوب به امر شاهنشاهی آریا مهر صورت یک تکمیل می‌گردد. بنادر استاده و تظلیق و ترسگر خدمت و امکانات سازمانهای دولتی و ملی برای دفع مشکلات استثنائی مناطق جنوبی کشور دریا به پریم شیرو خورشید وجود آمده است.

این خورا در رجوع امر با استنده از امکانات اقتضایات شیرو خورشید و وسیعاً از کمک‌های نماندگان بر عهده و راهنمایی سایر وزارتات خانه ها برای ایجاد کار و ساختن راه سلطی و مشورتات مجلسی و فرهنگه ایاری قضای خود را صورت بسیار مقوم و مؤتمنی شرو و انجام داده و می‌دهد.

چند ضرورتی و عقب ماندگی این مناطق منصوصاً باینده که حوزه انتخابیه بنده زیاد است جناب آقای مهندس ریاضی ریاست محترم مجلس شورای ملی در درود قبل از آنرا در محمل متاعه فرموده اند و احتیاج و فعالیت فوق العاده در راه دولتی باستی سرحدات و یا کمال صورت بر این برسان که همین کارگزاران ایجاد شده در دست اقدام است بکلی قیافه وضع متعمر اینوس سوده و تحریک امید در مردم جوسل وجود آورده است و نه تنها ساکنین سواحل بنادر از ترک مسل خود اصراف حاصل کرده اند بلکه مهاجرین ندرتیباً متوال فرامحت بعمل خود هستند و برین نواحد گذشت که سواحل از بشاد خلیج فارس عظمت دسر برین خود را باز خواهد یافت (اشغال).

از جمله کارهایی که شورای عمران امداد ایجاد کرده و می‌دهد یکی ساختن راه ساحلی بین بندر بوهر و بندر انگکاست این جده که طول آن از شصت و یکروز تجاوز است و اکنون صف آن تمام شده قابل امدورت است بش از جمله کارهایی که در همه کاشته بدست سازد والاضررت نیکوکار افتتاح کرده کاشته بود که سازمان عمران امدادی جنوب وابسته به جمیت شیر و خورشید ایجاد داد و در واقع خدمات و اقامات بود که تحت ریاست عالی والاضررت شادعت ایجاد کرده است. برای مدینه استحضار همگان بیشتر برین امر صادق است که شورای عمران امدادی بنادر و جزایر جنوب به امر شاهنشاهی آریا مهر صورت یک تکمیل می‌گردد. بنادر استاده و تظلیق و ترسگر خدمت و امکانات سازمانهای دولتی و ملی برای دفع مشکلات استثنائی مناطق جنوبی کشور دریا به پریم شیرو خورشید وجود آمده است.

چند صد آسادی می‌گردد روز بیست و نه از لوجه بنای ساختمان راه مذکور بدست والاضررت شادعت برده برداری شد.

ایجاد تأسیسات بسیار کلن نیز از خدمت پرارزش سازمان عمران جنوب است که با استفاده از ملازاد آب رودخانه شاران و والاکلی که صرف بجزایر میریست آب مورد نیاز آبیاری چلک زبایرتو کلک و در ترکی بزازجان را مسخر از همکاران تأمین و مشروب می‌نماید. تأسیسات مذکور بابتبج برای بهره برداری تحصیل وزارت آب و برق گردید.

و در وقت دیگر شورای عمران امداد ساختمان سه بیلاستان ۳۵ تا ۳۰ صنعتخواهی در بوهر و بزازجان و لنگه می‌باید که بیلاستان بندر کاشته (آریا مهر و سوارتاهای بوهر و بزازجان بنام ۳۵ شهرو در کمند و افتتاح کرد و این راهنمایی است و جمیت شیر و خورشید اداره خواهد شد.

ساختمان مراکز امدادی در بوهر و بزازجان که نامشده افتتاح کرد و ماسخاتر کرماندای بندر کاشته در دست ساختن است.

چندین باب مرصه که در سال گذشته ساختن آن پایان رسیده بود توسط وزارت آوزش و پرورش شده و چندین باب دیگر در فظلمت اسماحلی درست ساخته شده است که در سال آینده تمام تحصیل خواهد شد.

خدمات دیگری نیز بوسیله این خورا با کمک و مساعدت و اخذتالی سایر دستگاههای مسلکی و اعتبارات سازمان بر عهده ایجاد شده و متوجه که نام آنها از جمله مورد تحسین و ستایش است.

بدرخواست نمایران در این مناطق که از اطلاق معایات شاهنشاهی آریا مهر بر عهده شده و توجهات والاضررت از شادعت ریاست عالی جمیت شیرو خورشید ایران از از تقذیق شده بودند بقدری خوشحال و شادمان بود که در عهده جنسین این احسانات بیست و نه شادعتی بهرین دلوسون والاضررت شادعت خواه گرامی فرستاده مقصود نمایند این جده که نمایران شادعتی گرامی قلمبرای ملامت شادعتی و خاندان جلیل سلطنته واز می‌گردند.

بند در خروجی فرم می‌دهد که از این مکان سفید سر آسیب می‌کند و در مقصد سر نیز هم محل و جزایر جنوب، اسیب‌گسترگه مرز شده است. در مورد وزارت صنعت مشین‌سازی بنویسند و نظیر

نیزه بود. با نظر آقای وزیر و توجه مخصوص شاهنشاه در آینده شاهد موفقیت‌های بیشتری در توسعه و پیشرفت و جزایر خلیج فارس، شیب احداث

رئیس - آقایان! این فرمایشات بسیار مهم است. و همگان عزیز بنا بر امروز میباید در مقام هم‌دستان بشویم و یک مطالب دیگری گذاشته است و فستق هم از آرزوی باقی‌مانده بعرض برسانم. بیرون‌رود به انتفاع است. استعمار محض، نه برای ایران. اقتصاد ما کلیتاً به معزین همین بهیوادگی، که در اشتباه ساخته شده و بیرون‌رود و اقتصاد که در به آفتاب می‌بیند. علمای ما که از همکاران قدیم ما و معروف بوده آقایان هستند (مستدی -

سیار مورد تشریح است) بسیار بسیار مورد خوبی هستند و همیشه در شهرهای استان تهران مشغول فعالیت و مریض‌ها را مورد خدمت قرار داده‌اند. از ایشان مشایخ و همسر در مانگا که ما افتخار کردیم احتیاجاتش را در دست ما داشته باشیم. چنانچه آقایان می‌توانند خواهش کنیم که موهبهای فراوانی که این در مانگا به شما اختصاص یافته، چنانچه آید باید در برابری بهایشان به آن بعدد مستأجر بپردازیم. در اشتباهات نباید که چیزی در خدمت استعمار حاضر شد و گفت

که چون اشتها بود و در زمان بهادش نادر من بیست میلیون تومان کمک می‌کنم و به ششینی هم بیست میلیون هم مردم دیگر در حدود بیست هزار تومان حاضر شده‌اند. که با این سیاست‌ها در گفتگوی آقایان ساخته شود. اشتها در آن دهات غیرین بهیست مملکت است. دهمی است از لایحه ویرت و غیر این‌ها. شمع و در اشتها آب ندارد. زمین خوب بهیست‌نار و در وقت دارد. در زمان بهادش نادر زندگی این مردم را دیران کرده، کشید. هر چه به اشتها در اطوری کمیاب شده من از دولت ... دارم که احتیاجات مردم اشتها در از قبیل بسیارستان و

تظن تأمین کنند. معذرت‌ناست من از وزیر است و نظر آقایان تلقین خواست کرده که یک وسیله خانگاری و نظر آقایان تلقین آنها به حدک مرود اشتها در حدود چهارده هزار نفر هستند که در یک کوشه در اشتها زندگی میکنند. وجهی وسیله ارتباطی ندارند. افراد دیگر داشتند و خیلی زیاد است. و اگر شرکت فرش یک جوهی سنگد و یک شصتی از فرش و قالی را بداند. اینها آجات حدودی افراد دیگر داشته‌اند. در این مورد سرایه در میخواستند از یکبار مرده استامبولیکند و کارخانه بسندگی در آنجا می‌گذاشتند.

رئیس - آقایان! این فرمایشات بسیار مهم است. و همکاران عزیز بنا بر امروز میباید در مقام هم‌دستان بشویم و یک مطالب دیگری گذاشته است و فستق هم از آرزوی باقی‌مانده بعرض برسانم. بیرون‌رود به انتفاع است. استعمار محض، نه برای ایران. اقتصاد ما کلیتاً به معزین همین بهیوادگی، که در اشتباه ساخته شده و بیرون‌رود و اقتصاد که در به آفتاب می‌بیند. علمای ما که از همکاران قدیم ما و معروف بوده آقایان هستند (مستدی -

سیار مورد تشریح است) بسیار بسیار مورد خوبی هستند و همیشه در شهرهای استان تهران مشغول فعالیت و مریض‌ها را مورد خدمت قرار داده‌اند. از ایشان مشایخ و همسر در مانگا که ما افتخار کردیم احتیاجاتش را در دست ما داشته باشیم. چنانچه آقایان می‌توانند خواهش کنیم که موهبهای فراوانی که این در مانگا به شما اختصاص یافته، چنانچه آید باید در برابری بهایشان به آن بعدد مستأجر بپردازیم. در اشتباهات نباید که چیزی در خدمت استعمار حاضر شد و گفت

که چون اشتها بود و در زمان بهادش نادر من بیست میلیون تومان کمک می‌کنم و به ششینی هم بیست میلیون هم مردم دیگر در حدود بیست هزار تومان حاضر شده‌اند. که با این سیاست‌ها در گفتگوی آقایان ساخته شود. اشتها در آن دهات غیرین بهیست مملکت است. دهمی است از لایحه ویرت و غیر این‌ها. شمع و در اشتها آب ندارد. زمین خوب بهیست‌نار و در وقت دارد. در زمان بهادش نادر زندگی این مردم را دیران کرده، کشید. هر چه به اشتها در اطوری کمیاب شده من از دولت ... دارم که احتیاجات مردم اشتها در از قبیل بسیارستان و

کنش که این استادیوم بدست و الا حضرت شاهپور رضاعنا بنویسند و دستورده، بشاه رضاعنا کبیر نام گذاری کنند و زمین را بدیدیم و فردی از آن روز دیدیم یک عده بنا و عمده در این زمین فکر میکردند. نمایان از طرف وزارت اقتصاد است و یکی آمده‌اند این زمین را ساخته‌اند که ما ندانیم و من استعفا دارم. از دولت وزارت اقتصاد که نمایان اختیار اینها را بدست است! شهر مشین‌سازی کرج مربوط به رضاعنا تقدیمه یک قطعه زمین بنا بعدی که ما یک استادیوم بنام رضاعنا تقدیمه بشایریم (دکتر الوتبی - حرف

حسابی است) (حسبی - بنوعاید تا بعدند) ما خواستیم بیشتر از این ما می‌توانیم قطار بنویسیم. هر چه فروستیم اثناسی کردیم. کرم‌ها، کرم‌ها نوشته‌اند. هر کاری که بنا است کرم‌ها دیگر من چه جای کبیر کرم و بیست نفر بیرون می‌بشیرد این تراکت اجازه ندهد. اما راجع به کارخانه ماشین‌سازی، و مزایای ذوب‌آهن که قرار بود از قدیم در کرج باشد. فریاد دارند. یکی از کارخانه‌های ماشین‌سازی در کرج نصب شده است. مثلاً اینکه از این بیانی می‌سازیم. سر آمدند. شد که کارخانه‌ها کار برودند. حال کار کارخانه رسید که داشتند که کنونی در زمان آید. یکی می‌خواستند منتقل به کرمانشاه کنند. ما نمایان باید چه بکنیم. یکی از این کارخانه‌ها ماشین‌سازی که قرار بود در کرج باشد. قطار شد و به کجا رسید. موضوع دیگری که می‌خواستیم عرض کنیم در مورد پنجشنبه‌ها، هر چه رسد ما همان موضوع

حادثه سازی فرعی کرج بود که هر مرتبه ما به آن آید. دکتر الوتبی خواست کرج که آزاد باشد. نمایان می‌خواستند که در آن کوه‌ها می‌خواستند (کردیم) که این کار را بکنند. و لکن در امانت می‌خواستند کرم که با یک میلیون تومان بهیروزاری را داشتند. بعدند. نمایان این استادیوم را با این میلیون تومان من چه جابردم. نمایان فرعی که می‌خواستند ما در سال‌ها بعد می‌ببینیم. این دهان را می‌بینیم. هر چه می‌خواهند شصت هزار تومان می‌خواهد که کرم‌ها در کرج می‌خواهند کردند. با یک میلیون تومان خواستیم برای چه جابردم. کبیر کرم را با او استیضاد کردیم. این پول را ندانند

رئیس - آقایان! این فرمایشات بسیار مهم است. و همکاران عزیز بنا بر امروز میباید در مقام هم‌دستان بشویم و یک مطالب دیگری گذاشته است و فستق هم از آرزوی باقی‌مانده بعرض برسانم. بیرون‌رود به انتفاع است. استعمار محض، نه برای ایران. اقتصاد ما کلیتاً به معزین همین بهیوادگی، که در اشتباه ساخته شده و بیرون‌رود و اقتصاد که در به آفتاب می‌بیند. علمای ما که از همکاران قدیم ما و معروف بوده آقایان هستند (مستدی -

قانون تصدیر تصاعد کرد و از تصدیر درآمد شرکت‌های هوایی ملی ایران پر برداشت نماید.

ماده ۱۶۰ - نظریه پیشنهاد شرکت هوایی ملی ایران در مورد سهام شرکت هوایی ملی ایران را در ارزیابی نمود و صاحب نامه سهام شرکت مزبور میباید لذا شرکت هوایی ملی ایران با تمام تشکیلات وزارت ملی و اختیارات و دیون و اختیارات و امتیازات و خدمات و حقوق و مستحقه داخلی و بین‌المللی منضمه در شرکت هوایی ملی ایران گردیده و شرکت هوایی ملی ایران از هر حیث قائم مقام قانونی شرکت هوایی ملی ایران شناخته میشود.

تصوه ۳ - شرکت هوایی ملی ایران میباید از آن عده از کربندگان و کارکنان شرکت سابق هوایی ملی ایران را که مورد نیاز صنایع مختلف نظام و آب و آبنام خنق مقررات استحصالی مخصوص شرکت هوایی ملی ایران و رفتار نماید.

ماده ۱۶۱ - از تاریخ تأسیس شرکت هوایی ملی ایران حق بهره برداری هوایی در داخل و خارج کشور بمنظور حمل و نقل هوایی و آشنایی و آشنایی و توسعه و مسکن و تنگین و تنگین شرکت هوایی ملی ایران نقض میگردد و شرکت مذکور بتواند تنها شرکت هوایی ایرانی سرای استفاده از حقوق مندرج در قراردادها و موافقتنامه ها و اجتنابنامه های مربوط به برقراری سرویسهای هوایی منضمه بین دولت شناختن و سایر کربنها شناخت میشود.

تصوه ۱۶ - منظور از هوایی ملی تنگین و تنگین مذکور در این ماده هوایی ملی است که در وزن کل آنها نام از هوایی - تجهیزات - سوخت - روغن - فرسین ، بار و مسافر از پانزده هزار و هشتصد و هشتاد و پنج کیلوگرم بیشتر باشد.

تصوه ۳ - مؤسسات هوایی ملی ایران با مسئولیت محدود و معاینات پرورزی ایجاد میکنند و همچنین مؤسسات هوایی ملی دیگری که در آیین نامه با رعایت قانون پرورانه با اجازه مأموران تحصیل نمایند

قسط میتوانند با هوایی ملی بانه که وزن کل آنها پانزده هزار و هشتصد و هشتاد و پنج کیلوگرم کمتر باشد حمل و نقل هوایی مسافر و بار را هر نوع پرورزی بزرگ گانی مبادرت نمایند.

تصوه ۴ - سردر و پرورانه با اجازه مده به هر مریود هوایی برای مؤسسات مذکور در تصوه ۲ این ماده و تصدیر حمل و نقل هوایی مسافر و بار و پرورانه منضمه مربوط به آفات که شرکت هوایی ملی ایران طرف سه ماه از تاریخ ابلاغ کنسی اداره کل هوایی ملی کشوری سرویس منظم مورد درخواست در داخل نماید یا پس از مدت کمتر و سرویس منظم مورد ارزیابی رئیس تنظیمات تشکیل.

ماده ۱۶۲ - کلیه سازمان و بنا و حایک که بهرینه وزارتخانه ها و سازمانها دولتی یا وابسته بدولت بخارج از کشور فرستاده میشود (به استثناء بنیاد) باید به اشتراک یا به تپس شرکت هوایی ملی ایران ایجاد شود.

تصوه ۳ - مؤسسات دولتی وابسته بدولت مذکور در این ماده عبارتند از: سازمان سلمان شنگه شرکت باغ و هر نوع مؤسسه دیگری که تمام یا قسمتی از سرمایه آن مشغول بدولت بوده و یا اداره امور آن زیر نظر دستگاهها دولتی باشد.

ماده ۱۶۳ - از تاریخ تصویب این قانون نمایندگی (آزادی زوال) شرکتها و مؤسسات هوایی ملی خارجی در ایران و انجام خدمات فنی هوایی (مهندسی) منجر به شرکت هوایی ملی ایران نباشد.

تصوه ۳ - شرکت مزبور مجاز است نمایندگی کل شرکتها و مؤسسات هوایی ملی خارجی را در تمام ادارات نماید و با مؤسسات و اشخاص خارجی و امکنه کار کند.

تصوه ۴ - نمایندگی های کل که تا تاریخ تصویب این قانون تأسیس شده اند مشمول مقررات این ماده میشوند و میتوانند با رعایت مقررات مربوط بخود ادامه دهند.

ماده ۱۶۴ - شرکت هوایی ملی ایران دارای استقلال مالی و سازمانی بوده و طبق اصول بزرگ گانی اداره میشود و مشتمل بر قانون محاسبات عمومی و قوانین و

مقررات محاسباتی و استخدامی و مالی مربوط به مؤسسات دولتی و وابسته بدولت بودیدو تابع استاندامن آیین نامه مقررات خود خواهد بود.

تصوه ۱۶ - شرکت هوایی ملی ایران مجاز است متضمن و مشاورین خارجی را با تحصیل پرورانه کار از وزارت کار برای استفاده در انجام امور مربوط استفاده نماید ، در صورت وجود متضمنین و مشاورین همسران ایرانی حق تقدم را برای ایجاد بود.

تصوه ۱۷ - در وقت مناقصه استانی یا بین المللی مدهای مذکور در این ماده از طرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و برای تصویب به کمیسیونهای مشترک راه - اقتصاد - جاراتی مجلس تقدم نماید مقررات داخلی تصویب استانی و آیین نامه اجرائی میشود.

ماده ۱۶۵ - شرکت هوایی ملی ایران و مؤسسات مذکور در تصوه ۱۶۵ این قانون از پرداخت مالیات بر درآمد خود و بر گونه مالیات و عوارض و حق البتس مربوط به هوایی و وسائل فنی و مسافرتی آن معاف میشوند .

ماده ۱۶۶ - شرکت هوایی ملی ایران و مؤسسات مذکور در تصوه ۱۶۶ این قانون از پرداخت حقوق و هزینه گمرکی (به استثناء باجری و انبارداری) و سود باندهای که به اشخاص مندرج در مواد ۱۶۳ این قانون تعلق میگردد معاف میشوند.

ماده ۱۶۷ - شرکت هوایی ملی ایران اجازه داده میشود اشخاص خارجی را از ولو مریود مشابه داشته و یا در ترفه گمرکی متنوع البرورد باشد با رعایت ماده ۱۰ این قانون و سایر مقررات مربوط برای صرف خود از خارج کشور وارد نماید.

اول - هوایی بود و تور و ترانسپورت منضمه و منضمه های دولتی - رساله - آژانس - آژانس - تجهیزات - دستگاههای مربوط به هوایی بود و هوایی .

سوم - وسائل مسافرتی را در اولی (نام از فرستنده و گمرک) و در ادارات و قطعات منضمه آنها که در هوایی و با امور مربوط به هوایی بگر میورد .

چهارم - دستگاهها و وسائل که برای آنها در کربن هوایی ایجاد کرد و همچنین وسائل گمرکی تعمیر و با عطف تقاضات هوایی بود و هوایی بگر میورد .

پنجم - مواد فنی و روغن و کربن و سایر مواد برای سوخت و روغن فنی و تعمیر کردن آنها .

هوایی بگر میورد و به استثناء مواد سوختی که در داخل کشور تهیه میشود .

ششم - دستگاهها و وسائل گمرکی را ساختن قطعات هوایی بود و تور و ترانسپورت هوایی بگر میورد .

هفتم - وسایط قطبیه منورزی و غیر منورزی (به استثناء اکتشاف سواری و وسیع و وسیع آنتنشن و کابین و اتوبوس عمومی) و تجهیزات و وسایل و مشرف ماسک مربوط و کربن منضمه آنها که استصارا برای حمل یا پیاده و سوار کردن مسافری یا مسافر بار و نظیفه و بار گمرکی هوایی بگر درود ام آژانس که در داخل و خارج هوایی مورد استفاده قرار میگیرد مشروط بر اینکه وسایط نظیفه بود در داخل کشور ساخته شود .

هشتم - وسایط حمل و نقل هوایی را برای اخصامت ویدئویی و یا استفاده مسافرن و سرتینان هوایی بگر میورد و قطعات و تجهیزات هوایی ملی ایران منضمه است .

تصوه ۲ - مؤسسات مذکور در تصوه ۲ ماده ۱۶۵ این قانون از اجاره وسایط و سفره در نتیجه اول لغایت پنجم این ماده در حدود احتیاجات خود پروردار میگردد .

تصوه ۳ - بانکها خزانی هوایی ملی کشوری علاوه بر استفاده از ظرفیت صرفه ای خود مجازند شتم این ماده را پروردار بگر میگرد و همچنین مجاز است هوایی ملی بود و تور و ترانسپورت منضمه و منضمه های دولتی و وسائل و قطعات دیگری آنها با رعایت ماده ۱۰ این قانون از خارج کشور وارد نماید .

ماده ۱۶۸ - شرکت ملی نفت ایران مکلف است از تاریخ اول فروردین سنه ۱۳۴۴ فرود مواد سوختی و متانول مورد نیاز هوایی ملی ایران را به عطف فرود داخلی قبل از تاریخ ۱۶ آذرماه ۱۳۴۴ در صورت عدم وجود فرود و یا بیایندی فرودهای جدید به نرخ متاسب با نرخهای قبل از تاریخ مذکور با رعایت تقاضا ماده ۱۰ این قانون و معاینات هر گونه استخافه ها با شرکت مزبور محاسبه نماید .

تصوه ۱۶۹ - شرکت ملی نفت ایران مکلف است از دیابت فرود گشته حایق شرکت هوایی ملی ایران را در صورت فرود که نفت شرکت هوایی ملی ایران را فرود نماید .

ارزش واقعی و اسمی هر هویسمانی سابق ایران . هویسمانی سابق ایران آنستکه سهشتن را از گذشته کرده و شرکت هویسمانی ملی منگنه دیون و مطالبات ضایع همین قانون که میبود حد تعویب بشود و در اصل نویسمانه بوده و در زمان قزاق به این شرکت واگتس کرده است ما باید بهیچین گنیه دیون و مطالبات آن چه بوده وقتی که آن شرکت بده دیون نویسمانه را که سرمایه آن شرکت سرمایه ایران میباشد و چرا در اینجا ذکر کرده است که به سرمایه اشک هویسمانی ملی ایران مانع میسرود جدولون توانان دیگر هم را با تمام سرمایه شرکت هویسمانی سابق یعنی از دات انتقال کسبه دیون و مطالبات آن شرکت ب شرکت جدید منتقل کرده چنانکه در گذشته شرکت هویسمانی ملی ایران جزو سرمایه نایمده و از ایابت تقوت ایرانی واقعی و اسمی شرکت هویسمانی سابق مبلغ ۳۳۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال در حساب سرمایه شرکت هویسمانی ملی ایران نایمده و در حاد ۳ که سرمایه اشک کتارا معلوم میکند چنانچه از قید نکرده که وینگری که انشاء الله سمسری زیار نبوده که در سرمایه قید نشده مابقی است بعنوان پرداخت ارزش سهام شرکت یانوس به مبلغ سی میلیون ریال بخواه شرکت که هویسمانی ملی ایران سهام شرکت یانوس را منتقل کرده بشود و سی میلیون ریال پرداخت کرده است این مبلغ را باید بدو چو سرمایه شرکت یانوس به این راه جزو سرمایه اش نایمده مبلغ دیگری که جزو سرمایه شرکت هویسمانی ملی ایران گنجانده نشده و منعی است بعنوان ذاتی سروس فرود که مهر آباد در این لایحه که جای نظری آقایان است که سروس فرود که مهر آباد تمام بهمان اواسط دولت پرداخت شده نشان این چرا در سرمایه شرکت ملی هویسمانی ایران منگنه شده آخواجه نوری - سروس فرود کماهی آباد را در اختیار هویسمانی کشوری است عرض خواهم کرد در این لایحه که نظری آقایان است که سهام سروس فرود که مهر آباد منتقل بدو است وقتی منطبق بدو شده شد باید در اینجا وارد شود (خواجه نوری - آنحضرت هویسمانی کشوری اداره میشود) ما به نعت نظرش که اندام دینی پرداخت شد و آمد جزو سرمایه هویسمانی

ملی ایران باید آن پولی که در گذشته بابت سهام پرداخت شده حساب شرکت جدید داشته بشود اگر این اقلام را جامع کنیم با ارزشی که خود دولت در این جا ارائه داده مبلغ کل خواهد شد ۱۱۶۵۸۹۷۳۳ ریال و ملاحظه فرمائید از بعد سی میلیون ریال که دولت بعنوان سرمایه معین کرده بیشتر است و اینکه از دو سراسر هم بیشتر است آخواجه نوری - همه را دو مرتبه حساب کرده اند! اینرا نشانه هتکاران محترم و نقاد منگنه نامه هتکاران دولت در مقابل تاسیس شرکت هویسمانی ملی ایران خودش میگویند با بعد سی میلیون ریال سرمایه وارد نمود سرمایه دولت تمهید کرده در حالیکه دولت پیش از دو برابر تمهید کرده با تمام سرمایه شرکت و پیانده میلیون ریال بخواه سروس فرود که در این لایحه که این لایحه بر گرد سمسری نیست موافقت فرمائید که این لایحه بر گردد به کمیسیون که این اقلام در دست منظور شد بعد این ترتیب ضعی این اقلام صحیح نیست بنده اینجا عرض عرض میکنم که در صورت تطبیق نوشته بشود این اقلام صحیح نیست و بیش از سی میلیون کفایت کرده . دولت تمهید کرده در سرمایه شرکت و در هویسمانی ملی ایران حساب گنجانده شده است .

بالاخانلو - صحیح است .

خواجه نوری - صحیح نیست .

دکتر میرزا (سازون) زورن اداره ارجح بقصد تاول فرمایش آقای دکتر مبین در باره ارزیابی سه فریاد هویسمانی و ایگات نامیده کن محترم بقوهی استحضر دادند که امروزه هویسمانی برعت بازرگانی در تحول است اسمج است (و هویسمانیگنه به مبلغ ۵ میلیون دلار خریداری شد یک عمر مشخص دارد بعد از دو سال کامل هژری بیرون مدها هویسمانی) همین قیمت نسبتون فروخته (ایگات) یک مهور در نظر نمایند که محترم است البته بهمان ۲۵ میلیون تومان بود آخر خریداری شموی موفیکشش که

هویسمانی ملی موجود آمده این وایگاتها چهار سال از عمرشان گذشته بود و هویسمانی که چهار سال عمر میکنند هماغطور که عرض کردم در قیمت خیلی تقلیل پیدا میکنند و شاید ممکن بود هویسمانی مشابه را در بازار عالی المنی همین قیمت هر شرکت هویسمانی توان خریداری کند پس ارزیابی این دو میلیون تومان برای سه فریاد هویسمانی و ایگات براساس ارزیابی است که در آن روز تعیین برای این هویسمانها قائل شده اند رایج است هویسمانی اختصاصی که فرمودند چرا ما ارزش آن را در قانون ذکر کردیم برای این است که گمانش کرد کمتر از بیستیکم که میلیون بقیه بهای هویسمانی اختصاصی را بر گرداند و شرکت این کار را کرده و در سرمایه لایحه فرمودند آقایان توجه دارند که هویسمانی ملی سهام شرکت هویسمانی ملی ایران سرمایه شرکت هویسمانی ملی ایران را خریداری کرده (خواجه نوری - سوال بخواه) دولت اینجا مواضعه که نکرده که جزو سرمایه بگذارد پنج میلیون سرمایه نقدی را دو برابر مقدار سرمایه جنسی دوام گتیبی این سرمایه تصور این شرکتها را بخور کار بکن و هنوز هم دعوی باستانی از این شرکتها تمام شده هماغطور که جناب آقای خواجه نوری فرمودند من خیال میکنم برای جناب آقای دکتر مبین نوبه ایجاد شده یعنی قاعداً دو مرتبه این را در حساب سرمایه بر مراد در دو دولت هویسمانی ملی با همین سرمایه ۵ میلیون توانی که دولت تمهید کرده تمام آن مالکیت هماغوا مال و دیون نهفتان و مزایا و امتیازات شرکتهای هویسمانی ملی ایران و دیوان خریداری کرده سرمایه بعد از اختیارش کثیر فرار داده شده که چرا در پراختی دولت حساب بشود چون مال دولت بوده و ما باید که مال دولت دولت بباشی بخور و دهان آن را از زمین همین سرمایه بعد .

ولیس - نظری دیگری در ماده ۳ نیست (نظاری) بنده! ساد ۴ رأی میگیرم خانمها و آقایانسی که موافقت خواست منطبقاً فرمائید اکثر برخاستند! تصویب شد ماده ۳ قرائت میشود .

ماده ۳ - نظریه ایستکه شرکت هویسمانی ملی ایران نامی سهام شرکت هویسمانی ملی ایران را خریداری نبوده و صاحب تمام سهام شرکت مزبور میباشد لذا شرکت هویسمانی ملی ایران نامی سهام تشکیلات و دارای و امتیازات و دیون و امتیازات و امتیازات و تعهدات و حق منگنه داخلی و معنی و التعلیق شمشیر است هویسمانی ملی ایران گردیده و شرکت هویسمانی ملی ایران از هر حیث قائم مقام قانونی شرکت هویسمانی ملی ایران شناخته میشود .

تیسره - شرکت هویسمانی ملی ایران مجاز است آن عده از کثرتان و کارگران شرکت سابق هویسمانی ملی ایران که ما موافق نیان باشند در خدمت ایفاه و آنانطبق مقررات استخدامی مخصوص شرکت هویسمانی ملی ایران رفتار نمایند .

ولیس - در ماده ۴ چه نظری نیست! آقای دکتر مبین فرمائید .

دکتر مبین - در ماده ۴ گفته شده است که شرکت هویسمانی ملی ایران مجاز است آن عده از

(شرح زیر قرائت شد)

ماده ۳ - سهام شرکت هویسمانی ملی ایران تمامیت

مملکت و نام و غیره را با نقل بیدند

تیسره - اداره کار هویسمانی کشوری مکتف است

و چوهره ای که اشخاص و مؤسسات برای خرید سهام شرکت

هویسمانی ملی ایران توجیع نمودند از حساب مربوطه

بوزارت آ ۱۱۰ بجزایان ۱/۷ در سال ۱۳۰۰ تاریخ توجیع نام

نویسمانه را در جدول توجیب شده که در حال ارزیابی تصویب

این قانون تجویز نخواهد کرد (از محل درآمد شرکت

هویسمانی ملی ایران پرداخت نمایند .

ولیس - در ماده ۳ نظری نیست (نظاری) بنده!

سه ماده ۴ رأی میگیرم خانمها و آقایانسی که موافقت

خواست منطبقاً فرمائید اکثر برخاستند! تصویب شد

ماده ۴ قرائت میشود

(شرح زیر قرائت شد)

ماده ۴ - نظریه ایستکه شرکت هویسمانی ملی ایران

نامی سهام شرکت هویسمانی ملی ایران را خریداری نبوده و

صاحب تمام سهام شرکت مزبور میباشد لذا شرکت

هویسمانی ملی ایران نامی سهام تشکیلات و دارای و امتیازات و

دیون و امتیازات و امتیازات و تعهدات و حق منگنه داخلی

و معنی و التعلیق شمشیر است هویسمانی ملی ایران گردیده

و شرکت هویسمانی ملی ایران از هر حیث قائم مقام قانونی

شرکت هویسمانی ملی ایران شناخته میشود .

تیسره - شرکت هویسمانی ملی ایران مجاز است

آن عده از کثرتان و کارگران شرکت سابق هویسمانی

ملی ایران که ما موافق نیان باشند در خدمت ایفاه و آنانطبق

مقررات استخدامی مخصوص شرکت هویسمانی ملی ایران

رفتار نمایند .

ولیس - در ماده ۴ چه نظری نیست! آقای دکتر

مبین فرمائید .

دکتر مبین - در ماده ۴ گفته شده است که

شرکت هویسمانی ملی ایران مجاز است آن عده از

برای توسعه ده دگرگون قانون ۱۹۹۹، باید تمدید کرد
 یکم - وجود سهم بدست آمده در گریس بر برای
 قانون بدست آمده که یکصد گرانتر بود از قانون
 گذشته تعقیب کشیده آمدند هیچگونه خوبه برای کردند
 من اینهمه بود این جدول بر است شده خوب برنامه را
 خوب کرده باید مقارن احوال خود، حالا مقدر است
 این قرینه هیچگونه تخصصی که در اجرای قانون
 عمل کرده اند رعایت قانون است. این مسئله را چه
 مناسبت آوردند در اصل قانون البته در کمیسیون چون
 این مطلب را اکتفا مناسبت اینکه چند نفر نمایندگان
 کل ایجاد کرده اند بر خلاف قانونی که در زمان قدرت
 صادر شده و نظر ارفاق است همان شخص و کارخانه
 قوتوانان لذتبخش هر چند شده، تقاضا دارم این را توجه
 کنید. مشاور بعمل خلاف را میبیز میکنند، کسی که
 قانونی را اجرا کرده باید بازخواست شود، اینکه میشود
 مجلس میباید سبکدست خاصی که خلاف قانون عمل کردند
 عساکران قانون است بنده شدیداً پیشنهاد را تجدید
 میکند که حتماً تاریخ تصویب این قانون تبدیل شود تا
 تاریخ تأسیس شرکت هوای ملی ایران.
دویم - آقای فیکس آقای شرفیاب بید.

آقایان - بنده هم عرض نیست با بهره یک است که
 مقر میبارد که از این تاریخ بعد اگر شرکت هائی
 بخواهند بیایند در ایران و فعالیت کنند شرکتهائی
 هوای ملی بایشی اینند کسی گفتن را بوسع این راه
 بدیده به شرکت هوای ملی ایران ضروریه توضیح
 داد. مقرران نوع مصفا است اگر کمیصله کشش
 داشته باشند در خطوط ارضی کشور خوب باز قیارد
 است این که شرکت هوای ملی ایران میتواند این
 نمایندگی را که آقایان با یک مصلحت خارجی است
 خطوط هوای ملی کشنده خارجی است در برده دست
 نشاند خوشی باید یک مؤسسه ای که خوشی تخصص میدهد
 صلاحیت برادر این مقوله ندارد بنده حتماً این موضوع
 مخالفی برای اینکه تمهید ایجاد میکند فراموش نکنند
 باز میبارد این چنین آمده است در ایران خطوط هوای ملی

کاشانه داد الا آن بمون اشرف از صداغفر از قبیر همین
 سرمایه دراز این ملکت اعنته میکنند سرای خرد
 عارت حال آنه این قانون با من صورت در بیاید در مورد
 هر پیش آهوی آقایان بایشی عرض کنم که در وضع موجود
 توجه بوده مکی وضع عالی نمایندگان و آژانس هائیک
 هم مقتضای دیگری که مناسبت ملکت بوده
 که در نظر گرفته شود، در گذشته اتفاق افتاده که

بسی از نماینده کبیشا بنا مؤسسات ساده
 که نمایندگی را به آنها واگذار کردند خوب معددی
 نکرده و موجب اعتباری شده و از این جهت قضائاً حاکمه
 نماینده کل بترکت هوای ملی ایران که هم
 مورد اطمینان آنهاست و هم سبب اشتداد سوء حسده در
 دست مردم تشخیص صلاحیت اجتماعی و اقتصادی نمایندگان است
 اگر ظرف هوای ملی هم سرزمینش شود عیبی ندارد
 که بایشی نمایندگی دیگر در این ضلالت و خلالت بکنند و
 صورت دستخود نمایندگی شرکت هائی خارجی را بجمعه ساز
 بشوند.

دکتر مهندس بهبودی - در این حالت دوم که
 فرمودید تکلیف شرکت خود چیست فرارودا که گاه شرکت
 اعصابی کند؟

دکتر گنجی - بنده صورتمیکم فرارودا اولی دا
 شرکت هوای ملی ملی بایشی اسماء بکنند.
دکتر مهندس بهبودی - تصور که نیاید با وجوداً
 اینطور است که مگر باقی فرارودا شرکت عملی هوای ملی
 اسماء میکند چون مجلس میخواهد آئی بدهد.
دکتر گنجی - اجازه فرمایید بنده تحقیق کنم بعد
 عرض خواهم کرد.
دکتر مهندس بهبودی - بی سها این اسماء این است
 تحقیق فرمایید.

دکتر گنجی - بنده در فاصله بعد دقیقه اطلاع کتب
 میلندم اجازه میدهد اعمه اتفاق افتاده اند.
دکتر گنجی - آقای مهندس بهبودی پیش روید.
دکتر مهندس بهبودی - عرض من عرض من در وقت
 گذشته و الا آن بمون اشرف از صداغفر از قبیر همین
 سرمایه دراز این ملکت اعنته میکنند سرای خرد
 عارت حال آنه این قانون با من صورت در بیاید در مورد
 هر پیش آهوی آقایان بایشی عرض کنم که در وضع موجود
 توجه بوده مکی وضع عالی نمایندگان و آژانس هائیک
 هم مقتضای دیگری که مناسبت ملکت بوده
 که در نظر گرفته شود، در گذشته اتفاق افتاده که
 بسیاری از نماینده کبیشا بنا مؤسسات ساده
 که نمایندگی را به آنها واگذار کردند خوب معددی
 نکرده و موجب اعتباری شده و از این جهت قضائاً حاکمه
 نماینده کل بترکت هوای ملی ایران که هم
 مورد اطمینان آنهاست و هم سبب اشتداد سوء حسده در
 دست مردم تشخیص صلاحیت اجتماعی و اقتصادی نمایندگان است
 اگر ظرف هوای ملی هم سرزمینش شود عیبی ندارد
 که بایشی نمایندگی دیگر در این ضلالت و خلالت بکنند و
 صورت دستخود نمایندگی شرکت هائی خارجی را بجمعه ساز
 بشوند.
دکتر مهندس بهبودی - در این حالت دوم که
 فرمودید تکلیف شرکت خود چیست فرارودا که گاه شرکت
 اعصابی کند؟
دکتر گنجی - بنده صورتمیکم فرارودا اولی دا
 شرکت هوای ملی ملی بایشی اسماء بکنند.
دکتر مهندس بهبودی - تصور که نیاید با وجوداً
 اینطور است که مگر باقی فرارودا شرکت عملی هوای ملی
 اسماء میکند چون مجلس میخواهد آئی بدهد.
دکتر گنجی - اجازه فرمایید بنده تحقیق کنم بعد
 عرض خواهم کرد.
دکتر مهندس بهبودی - بی سها این اسماء این است
 تحقیق فرمایید.

جرای آنرا اینکه شخصی که آن خود مشورتمسئله را میگرداند
مستند بود که به خلاف اصل ۱۰۷ مضمون قانون اساسی
نسبتند چنانچه خوب گفته در اصل ۱۰۷ مضمون قانون
اساسی گفته شده است از طرف ریای دولت محاسبات صورت
دهیست معیشت و تفکیک محاسبات مختلفه که از آن
دولتی نموده او را مستند خرج محاسبات را جمع آوری
خواهد کرد و صورت حق محاسبات منگنی را باید به
انضمام معاملات خود تسلیم مجلس شورای ملی نمایند
شما برخلاف قانون اساسی آعدید اینها گفتید درون
محاسبات عمومی حق ندارد چنین کاری بکنند و به اسناد
رسیدگی بکنند که از شما چیزی جز بیغواشی است
باید حفظ قانون باشد قانون اساسی به شما اجازه نمیدهد
که شما بشعشعار از اختیارات درون محاسبات صورت یا
حقوق کنید (کیبیر) آقای دکتر املا در جواب جناب
عمومی نیست) به همت و بیستگی کاری دارید شما قانون
اساسی را در نظر بگیرید این ماده برخلاف قانون اساسی
تنظیم شده نمیشود را مجدداً تقدیم میکنم چون
شما در ذات و نیستی خود را کرد موافقت فرمائید اگر کرد
به کمیسیون چون این ماده برخلاف مضمون قانون اساسی
است.

رئیس - آقای احمد فرمائید.

دامید - در درون فقرات خوب نیست معاینه که جایگزین
قانون است حکم و هدایت و هدایت جبرین بوده است
حالا هم مجلس شورای ملی هر چه صلاح میباید
آن صورت باید اجرا شود (اگر تکلفی در اجرای
قوانین معاینه میزود پیش آمده باشد چه صورتی پیدا
میکند آیا با صورت فعلی آن تکلفات صورت قانونی
نمیدهد میگردد و یا مختلف اندر نه میباید این پیشنهاد
کند است که فقط خوب میسؤال نمود اگر چه آقای
دکتر گنجی فرمودند دیگر وقت مجلس را ضعیف نمیکند
اگر فرمودند که این پیشنهاد است یا به خلاف
را مدارا داشته بنده دیگر عرض ندارم ولی اگر
حالات مفقود قانوناً مورد نظرم نسبیست که فرایرین
باشد اگر فرساختاری شده باشد یا هر یک ملایر خلاف

آینده که باید عمل مسکرمه عمل کرده باشد از وقت بحث
زیرای پیش میاید فقط همین توضیح را در خدمتخواهر که
عرض شد.

رئیس - آقای دکتر گنجی عرض کنید.

دکتر گنجی - ممنونم از اشاره آن در مورد مشور
ماده ۷ یا اینکه ۵ دقیقه نشد بنده اجازه دارم عرض
برسانم که طرف قرارداد شرکت هوایی ملی ایران
خواهد بود و البته شرط فرار از موری صورت خواهد شد
که بعد از طرفین مشخص و معین باشد و اما در مورد
فرمان جناب آقای احمد بنده کوچکتر از این هست که
تکلیف آقایان روشن کنم قانونگذار جنابها اگر
جرمی بوجود آمده اعلام جرم بفرمائید اگر از جرم
اطمینان دارید بدون آن موری خوب فرمائید که جرم
پوشیده و بپوشید همین قانونی که الان داریم خوب
میکنیم) تنصیح بر ما جنابها است (بالمورد) پس در
صورت جمله خوب فرمائید که آقایان اگر بخواهند
تصمیمنامه جایگزین قانون جرمی اطلاق اقدام این
صورت مجرد نه تمسیر صورت این است) بنده میگویم
اگر جرمی بوجود بیرونه باشد قانون هست که تکلیف
مجریه را روشن کرد اگر در فاصله بین خوب بنامه و
قانون هم جرمی موجود آمده قطعاً آن قوانین نظری آن
جرم خواهد بود جنابها هم بنده همیشه بر این عقیده ام که
اعلام جرم فرمائید ما اینجا

دکتر مهندس بهیودی - بنده با ماده ۵ مخالفم.

رئیس - اجازه فرمائید ماده ۵ تکلیف روشن شود

پیشنهاد آقای دکتر مین در ماده ۵ فرات میبود.

اشرح زیر فرات شد

بناست محترم مجلس شورای ملی

و اصلاح و اگر داد.

تصوه ۴ - تصدیق کمی را کرد که از تاریخ ۲۵ تیسیر

مدت بعد طر طرح نیست همین پیشنهاد فعل مطرح است.

خواه جوری - اجازه فرمائید بشماره دیگر پیشنهاد

خوانده شود.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر مین مجدداً فرات

میشود.

اشرح زیر خوانده شد

رئیس - آقای دکتر مین فرمائید.

انسانندگی های کلی که تا تاریخ ۲۵ تیسیر شرکت

هوایی ملی ایران تشکیل شده است ممنوع مقررات این

ماده نیستند و میباید با رعایت مقررات مربوط مسکرمود

قبول شرکت هوایی ملی ایران باشد بخود ادامه

دکتر مین

خواه جوری - پیشنهاد خوبی است.

رئیس - با این پیشنهاد مخالفی نیست ؟ آقای

دامید فرمائید.

دامید - بطور کلی اینجا بحث توضیح در مورد

نفاذ بندگی کل لازم است عرض مطینان محترم و رسیدگی

کمیانی خارجی حقوق فرار در این دولت ایران دولت آن

مملکت وقتی مجاز بود نباید در مملکت ما کار بکنند حق

دارد که وقتی کار میکنند بفرماندگی ما برآید آن رفتار آن

کنند خوش بود که اینکه متقلاً هوایی مملکت

ما در آن جای حق فرار در پس نارای یک حق عقابلی

است که ما اگر یک هوایی مملکت دیگر اجازه ندیم

کند این کار بکنند متقلاً آن مملکت هم هوایی

مملکت ما آنرا به خود خدمت پیدا نمیدانند امیدوار

اما بشود و دیگر هم به خود بیاید آنکه آن هوایی

خارجی از افراد مملکت خوش را بگردان خوشش از

حقوق بگیران خوش باید در مملکت ما تأسیسات درست

بکند ممکن است از بنده مسه ایرانی بخواند ایرانی که

آدمها بنده هستند بنده اند در چنین دستگاه باشند

آدمها بنده ایرانی به تصدیق باید بنده بود دیگر

شرکت هوایی ملی ملی ایران تشکیل شده است ممنوع

مقررات این ماده نباید بشود و رعایت مقررات این

مربوط که مورد قبول شرکت هوایی ملی ایران باشد

بکار خود ادامه دهند.

رئیس - آقای دکتر مین فرمائید.

دکتر مین - بنده تصور که عرض کرده چون

نویسنده ام تا تاریخ تأسیس را ملایم عاقر از داده و گفته

قبل از آن کار نمایندگی کن تشکیل شده ممنوع این

مقررات نیستند و بکار خوش ادامه میدهند تغییر شرایط

صوب اشتغال میگردند بفرماندگی که فرماندهی

کلی در این زمینه ایجاد شده مشور خلق آن قانون اساسی است

نارای بنده میباشند اگر در صورتی این بنده پیشنهادی

که داده بایست عین پیشنهاد سابق باشد بنده مسکرم

ممنوع است در صورتی که خدمت مشور (بنده) کمیسیون

موافقت کرده که آن قسمت خوب نشود در این تجدید

پیشنهاد علق آیین نامه در حدودی است که بر سر گفته

نمیشود در حدودی که بنده بنده بنده آن قسمتی که

تاریخ خوب تبدیل شده بود تاریخ تأسیس شرکت هوایی

ملی ایران در نظر خود مافی بوده در کمیسیون هر وقت

و واقع شده ولی آنچه که با رعایت مقررات مربوطه که

مورد قبول شرکت هوایی ملی ایران باشد این عبارت

که گذاشتن با گذاشتن هیچ قیودی شده نمیشود

نشده چون در کمیسیون قانع شده نمیشود

لازم بود که در با خوب بشود هیچ اسرار بی ندارم

آقایان اگر قبول دارند خوب بکنند خودشان میداند

و پس هیچ در دو نوبتند بنده هم اثری ندارد

و این بنده این است که فرمودند قانونی که قبلاً گذاشته

رئیس اعتراف میباید که خوب بنده بنده بنده بنده

تاریخ تأسیس شرکت هوایی ملی ایران.

رئیس - چون پیشنهاد باید عین همان پیشنهادی

باشد که قبلاً داده شد بنابر این اگر پیشنهاد آن را تغییر

و اینکه هر کس میگوید و طبقه و بندش کی کن چیست؟
 بیدار آقای کجی مطلق فرمودند که تا بدوی مصاحف
 بعضی مدتی شده که بهتر باشد دوستان تأسیس مؤسسه
 آنها در این نظری داشته باشد حرف مضاعف را قبول
 میکنند اما در فرمایشاتش حرف را بر این بوی آقای آقاییان
 هم مطلق بود که گفتند اگر آن لازم است دوست دولت
 باشد دولت دیگر در این وسط دخالت میکنند اما دیگر
 و میخواند خودش بیدگی بعد از طرف دیگر نمائند
 دولت روی استنادی که در دقیقه قبل کردند فقط گفتند
 بجهت اینکه پول یک پیکانی خارجی را احتیاج کسی
 خودمان را که امینت بیگجران ما برای ما و خلعتی
 آن چون هر هوائیاتی خارجی واقف است بر اینکه
 کارکنان را گردانند کان هوائیاتی ملی ایران
 روی طبقه ششانی علاوه به خدمت به مملکت خودشان
 نیاندند هوائیاتی مملکت خودشان را کار بگذارند از
 طرفی هر شتر که هوائیاتی که مسلم آقاییان دیگر قیاس
 میسول نیست که نمایندگی کن راه رفیق خود رده
 قیسه چه می شود مناطق این مملکت که آنجا آدم صوب
 میکنند خارجی را اجازه بدیده باید اینجا برای اینکه
 هوائیاتی ملی میخواند برود اما هوائیاتی ناگزیر اجازه
 مینماید مستقل دوری باید کند علاوه که مملکت هر
 بیاید آورد آمد آنچه در این میفرموده باقی خارجی
 خود حقوق بند اما طبق این ماده ایران آنها
 حق ندارند از تأسیس نمایندگی استاده کنند
 و میگویند نمایندگی را باید نشاندند به هوائیاتی ملی
 ندهند مطابق همان دلیلی که عرض کردم هوائیاتی ملی
 هر آری قبول در خلاف اصل آن طبقه ای است که شش
 تعیین کرده که باید هوائیاتی ملی ایران را توسعه
 بندد تا بر این بندهمضون اصولاً وجود این ماده
 خلاف چند سال است یکی اما قول بیست خصوص که در
 حزب ایران نویی هم شاه آقیمشده را گرفتاری و درج
 مردم بوده اند حزب مردم دارد مستحق را در یک
 صحیح نیست که شما بیاید سر ما به گذار ایرانی را که
 ایرانی را جان تحصیل کرده ایران را از کمبودی
 با این ماده هر دو نفر بدو خاک را که بی بدختر اجازه

بگوید اسنادی احسبی این طبعاً بهتر است ملی این طبعاً
 بهتر است ما این ده در این لایحه گفته که اولی معارض
 استدریومی بر معارض باشد کسی که را فقط با هوائیاتی
 مملکت که وقتش میرسد بنویسد بعد از آنکه نمایندگان
 آنها که عیبشود پس اینهم که نشینود بالاخر پیشنهاد
 جناب آقای دکتر کیمین بدو شلوسوزن امین میکند که
 جابجایی نمایندگی کن را بخوانید به ما مؤسسه میدهد
 ولی باید که شرطی که وقتش برای این مؤسسه باشد
 میکند باید بگذارد (کنفرانس نمایندگان - قبول نمیکند)
 اینهم که اصولاً قابل قبول نیست پس منظور که خودشان
 فرمودند و یا صحبتی که در کمیسیون شد این ماده فقط
 باید حذف شود زیرا که حقیقتاً این مملکت حیوانان ایرانی
 کارکنان ایرانی و حقوق بگیران ایرانی است و بیغرض
 دولت هم است برای اینکه بعد از قبول پیکانی خارجی
 قبول نمیکند که اگر قبول آن کمپانی ازین دولت است ایرانی
 شتمت است بجهت دیگر به دلایلی که آقای دکتر کجی
 فرمودند که مصلحتی نیست که دولت تقاضا بدو مملکت
 مؤسسه خارجی با ایرانیان نام مستقیم داشته باشد حرف
 آنها است آقایان صحیح میشود شد که پیشنهاد
 اختیار دولت ایرانی نمیکند چرا دیگر دلایلی نمیکند
 باشدشش تا که که نوعی عمل شخص تازه از حدود پیش
 بینی خارجی است بعد پس شده این استناد را دارد اگر
 مقدم معجز زیست موافقت میفرمائید برای اینکه تمام
 این مسائل و مسائل گذشته ای که در اینجا گفته شده
 بلاغیاف ما اند این لایحه دولت تقیم بشود که هم متافع
 مملکت و هم متافع هوائیاتی ملی حفظ شده باشد
 خلاف هم اجازه نمود این مطالب در کمیسیون طبق
 آیین نامه مطرح بشود مطالعه شود حقون مجلس تقدیم
 بشود
 رئیس - آقای دکتر کیمین فرمائید
 دکتر کجی - بنده با سایر دیگر از جناب آقای
 احمد نشار میگویم که آن مطلبی که بنده نتوانستم
 شاید با بیان قاصر راجع به لزوم این لایحه
 مصالح مملکتی و خاص این دستگاهها نباید با برای ما

اجازه میفرمائید توضیح عرض کنم
 رئیس - اگر توضیح عرض کنم ماده شصت و چهارم
 پیشنهاد حذف این ماده را داده اند
 و امید - بنده عرض کرده فرمایشات آقای دکتر
 کجی را از جان میگویم و اگر توضیح لازم باشد
 عرض کنم

ولیس - پیشنهاد جدولی پیشنهاد حذف ماده ۷ است پیشنهاد دیگر در اصلاح ماده ۷ خصص مکتوبی است صاحب دعوت محترم میبایست آقای مهندس مهدوی مجد را به پیشتر بنام برد

مهندس بهبودی - بنده میخواستم در ماده ۷ عرض کنم که اگر شخصی اینجا شده باشد جناب آقای دکتر کجی آن شخص ساری خودش باقی است و این قانون تصدق مساقع میشود و این را نباید اگر قرار شد کسی اعلام جرم نموده بموقع اقدام خواهد کرد و استعدا میبکند توضیحی بمنظور انانیت پارلمانی تشریف میسرود

بر احوال گران تکلیف من غیر نامید (دکتر کجی - من تکلیف منین نکرده) چرا فرمودید آقای امین‌اعلام جرم بفرمایند ولی این پیشنهاد در صورتی که مصلحت مکتوبی در این امر باشد مکتوب نوشته شد فتر که هوایستی ملی ایران میبازد است مشخص و متداولین خارجی را میبویسد بیزانها که از وزارت کار برای استعلام در اجناس اموال استفاده نمایند. صورت مورد توجه متضمن و متداولین همطراز ایرانی حق نقد با برای او خواهد بود. صورت حاضر تفسیر بسیار بسیار جالب است ولی بیبینند در مملکت چینیکنند نمایند میگویند این کار فرجیست لکن از آن من و این گروه مدعیومی که ما از آن توهین یعنی ما خارجی را میخواند با

ماهی ۲۰۰ تومان است. پیشنهاد در مقابل پیشنهاد است. صورت وجود میگردانند همان کارها را ترک یا ماضی دوامه هزار تومان به این ترتیب از آن برای که همطراز خارجی است نبرد که ما آن حقوق کار بکنند آقای خواجه‌نوی بی‌ظن اینکستنی در هوایستی کسوری دارد صورت میبکند نتواند لیست حقوق خلبانان در کت هوایستی ملی را در اختیار ایشان بگذارد و همچنین حق بیمه را بگیرند فعلاً نمائند کنند حتی بیه که خارجی با حق بیمه یک برای این در این دستگاه مستقرات استن این خلاف است (خواجه‌نوی - در زمان دستگامها

میانومت است) چون من نمود. میبکند که با باقی بماند داشته باقی بماند که چون اگر در کسورین تر از خون خارجی خارجی بیخ افلا همطراز است (صبح است) اگر یک یک ایرانی در یک ساله هوایی میسرود خواهد شد باید از همان هزارانی

استعلام و بکنند که لاقط یک خارجی در یک ساله صورت میسرود ولی متشابه در این دستگاه این نوع تعریف است و به صورت خاص هم به بشر این روز میبکند در وزیرانه که موزونی که تفسیر از اینست ما حق نقد را اقل نمیدهند ولی این حق تقدیمات را بطور مادی استقامت اجازه نمیدهند (احسن)

ولیس - نظر دیگری در ماده ۸ نیست (آقای مهدوی) - بنده پیشنهاد آقای دکتر منین خوانده میشود. (پخش زیر خوانده شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی
پیشنهاد منینمای ماده ۸ از تصویب شرکت هوایستی ملی ایران شرح زیر اصلاح شود:
ماده ۸ - شرکت هوایستی ملی ایران دارای استقلال مالی و سازمانی بوده و طبق اصول وزارت کار اداریتش متداول قوانین مقررات استعماری و مالی مربوط به مؤسسات دولتی و با استمه بود و تابع استامنه و آیین‌نامهها و مقررات او خواهد بود.

تفسیر - شرکت هوایستی ملی ایران مجازات در صورت احتیاج متضمن و متداولین خارجی را بر او است. متداولین همطراز خارجی را میبویسد در تمام امور هوایستی استفاده نماید. صورت وجود متضمن و متداول همطراز ایرانی استفاده خارجی متنوع است.

تفسیر ۴ - دولت تکلف است استامنه و آیین‌نامهها و مقررات مذکور در این ماده از طرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و برای تصویب به کمیسیونهای مشترک راه - اقتصاد - دارایی مجلس تقدیم نماید. فتر آن قبل از تصویب استامنه و آیین‌نامهها اجرا میشود. (دکتر منین)

ولیس - آقای دکتر منین بر فرمایند. (دکتر منین - مثل اینکه بنده پیشنهاد را تجدید کرده این دو که در مورد موضوع عدم شمول قانون محاسبات عمومی داخل شده است در مصدب کمیسیونها

در صورتیکه بنده قانون اساسی را برای آقایان خودمان در سال ۱۰۰۰ ق.م.ش. برای محاسبات عمومی تکلف است که بکلیه لایحه مستند خرج مربوط به موسسه وابسته به دولت از رسیدگی کند پیشنهاد بنده حذف این عبارتی است که اضافه شد و خیال میکنم در جهت خلاف قانون اساسی است و بطوریکه باین صورت که از کمیسیون آمده قابل تصویب نیست ما چاره داریم که بگوئیم متداول قوانین محاسبات عمومی میشود و پیشنهاد دیگری که در جهت شمول بودن وزارت کار میسرود اگر متداول قانون محاسبات عمومی بموجب اصل ۹۰۷ قانون اساسی شمع که نمیتوانیم لغو کنیم اگر هم شده که نده پیشنهاد بنده پیشنهاد است در جهت شمول بودن معنی در جهت احترام قانون اساسی و توجه به صورتی نامه ۱۳۳۲ - ۹۹/۱۳۳ این را خاصا میبکند مواظف بر فرمایند صورت وجود و رایج به اصلاح نمره ۲ و ۳ چون ۲ و ۳ در کمیسیون مورد توجه واقعند و دعویب مخالفت پیشنهاد بنده تغییری نخواهد داد و رایج به نمره ۱۰ ماده ۱۰ بنده اساسی ندارم که آقایان قبول بفرمایند تا ما برای نده متوجه آن قسمتی است که ما بر خلاف قانون اساسی نباید اقدامی بکنیم.

ولیس - آقای توسلی بر فرمایند. (ولیس - از اینکه این جمله قانون محاسبات عمومی در اینجا عنوان شده است لازم است زیرا آنچه که ما میدانیم قانون محاسبات عمومی دارای یک وضع خاصی است که اگر آن رعایت نشود البته آن استادوبه تنظیم میشود بدون غایت قانون محاسبات عمومی را بجا نمیگذارد آنچه آمدند برای مرتبه اول برای اینکه کار باقی بماند که برای خرید یک حلقه لاشیک برای خرید یک قسمت از پروانه اینها قانون محاسبات عمومی را رعایت نمیکنند همچنین در مورد امین استخدامی زیر افرین در حالیکه این طیار بشر که هوایستی ملی دارد بر این میبکند استعدا آمدیم خلبانان سخته کرد اگر ما تابع این قوانین استعدا بدینجهت کسی که با بخواهد عنوان خلبان بگیریم بسازد میسر نیست و باید تشریفات زیادی را در وقت رعایت بکنیم تا شواهد یک خلبان را استفاده کنیم روی این

اصول برای اینکه این گرفتاری در پیش نباید مسلماً نوشته اند زیرا بنده که امور استخدامی تابع قانون محاسبات عمومی است. قانون محاسبات درجهای ازجمله و دیگر رعایت نمیشود در روز بزرگی قانون محاسبات دیگر رعایت نشود اگر قانون محاسبات عمومی بخواهند رعایت بشود یک تفریق باید داد برای خرید یک قسمتی از لوازم طیاره باید آگهی صادر کنند این خرید هم انواع و اقسامی دارد اگر خرید خیلی جزئی باشد با استمراریت طرف است و اگر جزئی باشد استعلام و اگر کلی باشد با تمامید بنده اضافه میگردانم که صادر کنند صورت آگهی مهندسی

میگردانم که در این آگهی نوی اول کسی حاضر شده باشد پیشنهاد میشود و با تشریح این قسمت بگفتگفت کارها که ما بر عین محاسبه انجام بدیم قانون محاسبات عمومی جلوی کار را میگیرد و با این فرهای همی که در پیش داریم ضرورت ندارد که قانون محاسبات عمومی را ما در اینجا بگنجانیم و بگوئیم حکمتاً از او مرتضی نکیم و بگوئیم که رعایت قانون محاسبات عمومی شود و بگذرد آن در شرکت ملی نفت و با تشریح کمی و در شرکت بیمه قانون محاسبات عمومی رعایت نمیشود و این دو دستگاهی است شبیه آنها ملاحظه میفرمایند در اینهمه هم ذکر قانون محاسبات عمومی برای اینکه زیاد دست و پا در این شرکت را دیگر در عنوان کرده اند که باید حتماً تابع قانون محاسبات عمومی نباشد اگر باشد کارهایی میشود (دکتر مستند وزیر - در فرمایشات تابع مقررات عمومی است) همینطور است.

ولیس - آقای مهندس بهبودی با پیشنهاد آقای دکتر منین مخالفتی بر فرمایند.

دکتر مهندس بهبودی بنده این جهت با پیشنهاد آقای دکتر منین مخالفت کرده که بتوانم عرض کنم که دستور اول این لایحه که در پیش شده بود در ماه گذشته قانون محاسبات عمومی نبود در ده. دوره که دوم نه چنانچه بنده جملگی قانون محاسبات عمومی آمده است بنده فقط برای درج در صورت جلسه بخواهم اضافه کنم آقای رئیس

اصول برای اینکه این گرفتاری در پیش نباید مسلماً نوشته اند زیرا بنده که امور استخدامی تابع قانون محاسبات عمومی است. قانون محاسبات درجهای ازجمله و دیگر رعایت نمیشود در روز بزرگی قانون محاسبات دیگر رعایت نشود اگر قانون محاسبات عمومی بخواهند رعایت بشود یک تفریق باید داد برای خرید یک قسمتی از لوازم طیاره باید آگهی صادر کنند این خرید هم انواع و اقسامی دارد اگر خرید خیلی جزئی باشد با استمراریت طرف است و اگر جزئی باشد استعلام و اگر کلی باشد با تمامید بنده اضافه میگردانم که صادر کنند صورت آگهی مهندسی

میگردانم که در این آگهی نوی اول کسی حاضر شده باشد پیشنهاد میشود و با تشریح این قسمت بگفتگفت کارها که ما بر عین محاسبه انجام بدیم قانون محاسبات عمومی جلوی کار را میگیرد و با این فرهای همی که در پیش داریم ضرورت ندارد که قانون محاسبات عمومی را ما در اینجا بگنجانیم و بگوئیم حکمتاً از او مرتضی نکیم و بگوئیم که رعایت قانون محاسبات عمومی شود و بگذرد آن در شرکت ملی نفت و با تشریح کمی و در شرکت بیمه قانون محاسبات عمومی رعایت نمیشود و این دو دستگاهی است شبیه آنها ملاحظه میفرمایند در اینهمه هم ذکر قانون محاسبات عمومی برای اینکه زیاد دست و پا در این شرکت را دیگر در عنوان کرده اند که باید حتماً تابع قانون محاسبات عمومی نباشد اگر باشد کارهایی میشود (دکتر مستند وزیر - در فرمایشات تابع مقررات عمومی است) همینطور است.

ولیس - آقای مهندس بهبودی با پیشنهاد آقای دکتر منین مخالفتی بر فرمایند.

دکتر مهندس بهبودی بنده این جهت با پیشنهاد آقای دکتر منین مخالفت کرده که بتوانم عرض کنم که دستور اول این لایحه که در پیش شده بود در ماه گذشته قانون محاسبات عمومی نبود در ده. دوره که دوم نه چنانچه بنده جملگی قانون محاسبات عمومی آمده است بنده فقط برای درج در صورت جلسه بخواهم اضافه کنم آقای رئیس

برقرا بر این حساب قانون معادلات معیشتی درجه کسی داخل
بزرگتر از شش بود درجه شصت

خواجه نورنگه ایشان در واقع دو طبق بودند حق
مصدقاً سبع کیواند

واقعد - همان کبری که ششادریه درجه کربند
وقعی - آقای حبیبی آنچه پیشنهاد میخواست

محبت کسها - حبیبی - بنده مشغول مناقصه با مداره بر میخواست
محبت کسها -

وقعی - آقای حبیبی پیشنهاد مطرح است بنا بر این
پیشنهاد آقای ذوقیر کتیر زمینهای میگیرم خواهان آقایانی

که موافقت خواهی میباشم قیام فرمایند (چند نفر
برخواستند و صحبت نشدند ماده ۴۰ برای میگیرم

آقایانی که موافقت میخواندند قیام فرمایند (اکثر
برخواستند و صحبت نشد - ماده ۴۰ قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۴۰ - شرکت هوایی ملی ایران و مؤسسات

مذکور در بنوع ۲ و ۳ از این قانون زیر ساخت مالیات
بر درآمد دهر گونه مالیات و عوارض و جوازالت مربوط

به هوایست و بواسطه قضا و مقررات آن صلاح میباشند
وقعی - آقای ذوقیر زمین بر نمایند

ذوقیر زمین - بنده تقاضا میکنم همان محترم
نوعه شرکت زمینهای شرکت که این همه اوراق میشود برای

اعمال تجاری میفرستد برای اینکه سرمایه بیشتری
بیاید کند و بیع ملک خدمت میکند با عصب حلاوة

منتهی به این که این شرکت اصلا جری کار ایستاد
قاده و اینستاد بعد برای چه ؟ برای اینکه ما

مالیات برداریان که نداریم این شرکت با این همه اوراق
اگر درآمد دارد که مالیات میدهد اگر نماند نماند

پس تمام آمدید و بگویند یک شرکت را ما عصب میکنیم
میفرستد بکند سرمایه بدیم کمک یکسیم کیه برای

مربوط را هم داخل خاص این شرکت قرار بدیم برای
چه ؟ برای اینکه درآمد داشته باشد و بیعوت نقد شود

مطلب شهید اگر درآمد داشته باشد با این همه کمک و
کساری که چیزی درازن نخواهد داد پس این همه کمک

و کماری تبعیدت این باید باشد که درآمد داشته باشد
وقتی که درآمد داشته باشد در هر صورت استقامت

از آن را هم بدهند دولت از این جهت به آن جیب میرود
قطر مقصود آقایان این است که درازن استقامت داشته باشد

این شرکت هم خوب خواهد خرج کرد اما هر کم میماند
هفت تا نهم کرده که طبق قول بزرگان می آید بشود

شامل قانون معادلات معیشتی باشد شامل مقررات مالیاتی
و استقامتی باشد در هر دو مورد مشمول باشد معذرت میخوانم

مشغول باشد مشغول قوانین مربوطه نباشد که بالتبعیه
درآمدی داشته باشد دولت چه در هر یک از اینها

تست خواهد شد و از آن جهت اینها را جیب میزند
وجه قانون دارد و قط برای این است که با زمین دولت

دارائی نبود آینه دخلت کند (بسیویتهای پادشاهی
است) قط برای این است که هر نوع مصلحتی

که نسبت به درآمد تکنکری در این مورد
نباشد بنده پیشنهاد میروم در این زمینه ماده بود که فقط از

نوعی که باید بشود در این مورد صلاح میباشند بیوجه
موسساتی که اینهمه در این اوراق میشود قابل اذوق

مالیاتی نیست باید به جا نمایند یک شرکت را که اینهمه
ارفاق پیش میشود از مالیات مضاف میکند

وقعی - آقای ذوقیر زمین بر نمایند
ذوقیر زمین - مدرن بزرگوار (۴) - بنده خواستم

برای اطلاع نمایان این شرکت من مشغول با مشغول با
پرسانم و آن این است که در دنیا هیچ شرکت هوایی

بزرگ که پیشتر از منش داشته باشد (بیشتر از منش است)
پس این اعلام میروم که در دوره چهارم موجود است تا بعد

اعلامات حقوقی مانند لازم است میباشند که کمترین داشته
باشد و اینها را در این شرکت منسب است

مطلب دشوار است بخواهند کرد که نامش شرکت بزرگ
هوایی ناچارند سرمایه مضاف داشته باشند (برای خاص

سیاست بین المللی و برای بنیان گذاری حفظ میکنند اغلب
آقایان به همانند که هوایی است ممکن است از ژو به تهران

جایگاه نظر تمام حاضران داشته باشد شرکت هوایی ملی ناچار
است پس از دولت تمام هواییهای خودش را بشیرد بل

اصن میگذرانند اینک از رفاه و دانی عقب نشینند
تمام گزارشهای سر میخوانیم که دولتهای دیگر سالانه

میلیون ها لیره بتر که های هواییهای خودشان از
خرامه خودشان کمک میکنند بتواند کمک تر روی

پای خودش (استند و اینها برای اینکه دولت تازه بتواند
از خزانه دولت کمک کند که هر دو سرمایه او را هم

در این لایحه پیش بری شده این مضافت باشد و اینس
مضافت علاوه بر اینکه شامل عملی است در حدود قانون

مالیات بر درآمد هم حث که طبق ماده ۴ قانون مالیات
بر درآمد را گرفته اند نکره باشد بر شرکت های هوایی ملی

و مؤسساتی که در هوای ملی بشود اراضاء ضایعات دارد
از درآمد مالیات مطلقاً معاف است

وقعی - آقای ذوقیر زمین بر نمایند
ذوقیر زمین - برای اینکه در صورت مذاکرات مجلس

شورای ملی بکند خلاف موازین و بنده بنده باشد و نکته
باشد که ۴۰۰ نفر نمایند بنده و حرفی در دستند که

بناست که ۴۰۰ میلیون تومان یا بیشتر باشد دریافت
نشده در ایران لیسدا چه نفت میفروشند مبلغ استقامه

کردند مالیات در اینها هم عدم وعرض میگیرم حرفی
آمیخه که نمایند مشغول در فرود هوایی برای درستی

نقظ و بنا درآمد دارد - عرض میفرماید عیبک هواییهای
بزرگ مثل هواپیمای کوزها و در آن دولتها در آخر سال

باید یکس میگیرند مثل یکس بدهد ۱۰ میلیون مارک
وقتی نمایان این دستگاهها نگاه میکنند میبینند این

دستگاه هر دو میلیون مارک از خارج ملک خودش پول
در آورده در داخل ملک خرج کرده و این ۱۰۰ میلیون

کمک دولتی برای امان ادامه آن مری است که از خارج
بیاورد داخل خرج کند بنده شما سوال میکنم نمایند

شرکت هوایی ملی ایران خازنه که میباشند بیرون
یکتا اند و وقت میگیرند برای چه این سؤال در هر

سال که البته منافع هستند در حدود ۱۰۰ هزار مارک
تا این رقم را می چیز و در وقت من موجود این مورد
بروین نمایان اینها دارند (افراد ادعای مناقصه و بلاخر

طبق دستورهای قبلی که خود هوایی ملی صادر کرده در
حدود ۱۰۰۰ تومان یا بیشتر از هر حال بیون ماسه استخراج
شرکت کرده میشود بر یک کس بنده یعنی ۱۰۰۰ تومان
یا بیشتر عرض کردیم بر اینها از تهران بدهد آنچه که
صحت حدسین مالیاتی است این است که من خدمتتان
عرض میکنم در حدود ۱۰۰۰ تومان عرض میفرمایند
این میشود خوب ۱۰۰ میلیون تومان درآمدی که در واقع
باضافه هوایی ملی شامل اینها است در آمدی است سرمایه
است ما تصور کرد آقای ذوقیر زمین که کمک دولتی علاوه
در اختیار گذاشته باشد برای استیصال کسری از خارجی
میگیرند و عرض میفرمایند که هوایی ملی تمام کمک
ناتوسمیست کند (بعضی از ایران - دو سه ۱۰۰۰ تومان
اما ماده ۴۰ که قوانین و مقررات و آیین نامه های
استخدام و چیزهای دیگر کم کمست است از قانون دیوان
مجلس هم که مستثنی است کسری این میشود کمترین
نشده در ایران لیسدا چه نفت میفروشند مبلغ استقامه
کردند مالیات در اینها هم عدم وعرض میگیرم حرفی
آمیخه که نمایند مشغول در فرود هوایی برای درستی
نقظ و بنا درآمد دارد - عرض میفرماید عیبک هواییهای
بزرگ مثل هواپیمای کوزها و در آن دولتها در آخر سال
باید یکس میگیرند مثل یکس بدهد ۱۰ میلیون مارک
وقتی نمایان این دستگاهها نگاه میکنند میبینند این
دستگاه هر دو میلیون مارک از خارج ملک خودش پول
در آورده در داخل ملک خرج کرده و این ۱۰۰ میلیون
کمک دولتی برای امان ادامه آن مری است که از خارج
بیاورد داخل خرج کند بنده شما سوال میکنم نمایند
شرکت هوایی ملی ایران خازنه که میباشند بیرون
یکتا اند و وقت میگیرند برای چه این سؤال در هر
سال که البته منافع هستند در حدود ۱۰۰ هزار مارک
تا این رقم را می چیز و در وقت من موجود این مورد
بروین نمایان اینها دارند (افراد ادعای مناقصه و بلاخر

خودش را در کمیسیون و در مورد عرض شده با عرض
مجلس شورای ملی و صحبت است همین وقت که در این
گروه و اجابت آقای حسین قزوینی کرده "فدائیت"
برنده صحبت و انکار بر این و چند گاه می عرض بر صحنه
مجلس که عمدتاً میخواستن عرض بکنم اینست که جناب
آقای عبودی اشاره کرده اند و نظریه ای گفته اند در اینکه
هواییان کمپوزی دارم این تقاضا که بنده در آنجا
بوسیله ملاقاتی است که به روزی خصوصاً ماه و روزی
خدای دارا صاحب است اما به امر اجتناب از حدیثی
این بر من مواظب شده و این شغل اقتصادی است و در تازگی
هم برای بنده در آمد ندارد (اگر مهندس به بودی بنده
که عرض کرده تا بپدید آید) اما فکر میکنم اگر در امر
هواییان خدمتی کرده باشم بدون درباری است و اگر است
احتمالاً همین دلیل خواست این را توضیح بدهم (اگر است
مهندس عبودی پس از من متشکر کنید که این فرستاد
بیاضالی داجا چنانچالی طوری فرمودید که ممکن بود
اشخاص طور دیگر تصور میکنند اما بر میگردد به مصلحت
موضوع که موضوع سرسوس هواییان است در داخل ایران
و خارج کردنی مسائل که هواییان ایران هستند. هواییان
روز کردنی مسائل بود و ملاحظه بنده با توجه به اینست
سرسوس های خود را به بهترین وجه و منظور او و مهندسی
انجام بدهد بنده بخود خلاصه تا تجربه این شرکت
هواییان را عرض آقایان میرزا باقر آقا بنایس هواییان
ملی و دفتر شرکت ایران بودگی شرکت هواییان یازمین
بود شرکت هواییان ایران استمدی و وسایل اقتضای
و بود و هر دو اقتضای بودند اما در داخل ایران بلکه
عیالیان اگر کرد که موجب اختلاف و خارج مملکت بودند
اصحیح است این مطالب را باید فراموش کرد که هر یک
شرکتی تأسیس شده بود و میگردید که شرکتی دیگر
داخل این مملکت ازین بود را در بودی همان بودها
میکنند که دولت با مصلحت از این که با قیام مملکت و
آنها بود غیر از این بود که استند شده است از مملکت
استوار اهل کرد و در واقع متمم آن استند است شرکت
را هم این وقت موجود بود و دیگری گذشته بود

آوردند و آن وقت خود را بود و این شرکت با امر شاهنشاهی
وجود داشتن اینک که با سرسوس ملی وضع هواییان
ازین بخش شده مصلحت مشکه معتبر است و این
شرکتی که در گروهه آقایان از این وقت که وضع این
شرکتها بر میبود و بعداً با گذشتن در جریان این
خصوصی موجب میشود که عده زیادی علیه شرکت
هواییان ملی شرکت کرد و در این و همین فرایند هم
به بحرانها گرفتار آمده بودند و همین فرایند هم
تغییر در مجلس بلکه در افکار عمومی و در روزنامه ها هم
تغییرات در مشورتان از ماده مهندسی میکنند خدمات
این شرکت داشته و اما کوچک جلوه میدهد (ملاحظه فرود
روزنامه ها مشاهده کنید تا بپدید آید) (اگر جناب سرسوس
به مجلس فرمائید کسی در مجلس این کار را نمیکند
آنچه فرمائید شرکت هواییان ملی یازمین وضع موجود
اصحیحترین فریبی که در این وقت پیشش شده است
طیاره های کهنه و مستعمل و یک قطار مسافری که حتی با
مقررات ایران از آن روز چه طبق میگرد این مسائل
و ناچار شد با حدیث خرید سهام و با حدود تعویض
انسانی تعویض بگیرد و سرمایه اصلی خودش
فراوان بدهد و اجتناب بسیاری کرده اند
آن اشخاص که این شرکت را همان موقع
مجلس تأسیس کرده اند و این اشخاص که در وقت
و بیستون را گرفته اند و تعویض کردند و امروز خودشان
میکنند که تبدیل کرده اند با سرسوس که هم در خارج
و هم در داخل اسباب آرزوی مملکت است اصحیح است
و این مطالب را باید فراموش کرد و این وقت بود که
که شرکت هواییان ملی ایران خریدند و در این روز
تأسیس کرده اند همان وزارت بازم و با ملاحظه شده است
باید بودی این تقاضای این شرکت متعلق فرود
خلقت است و خود این تقاضای مهندسی بدهد بعد
از این امر بیشتر از این که در این مملکت
باز این راهی مصلحت وقت دارد که آن امری است
آقای عبودی فرمودند در واقع بنده فکر ایران است
از طرفی در مملکت و مملکت نیستیم. خلتان اگر
مملکت را در امر مملکتها و این مملکتها و این مملکتها

کمیسیون مخصوص چند در داخل ایران چه در خارج
میباشد اصحیح است این مصلحت قابل تأمل است البته
حدیثی است که در همین زمین و این زمین و این
که این شرکت که در این وقت که در این وقت که در این وقت
در واقع فرموده این در واقع فرموده این در واقع فرموده این
هواییان ملی ایران تحصیل اینچنین یکجا میسر است
پولها بیشتر اینکه صاحبان این شخص مین
برنده شدند اصحیح است اولی امروز این پولها بسیار
باید در مملکت شرکت جمع میشود و برای شما هواییان
خریداری میشود اصحیح است اما مصلحت دیگر است
که یک شرکتی است که با این مسائل وجود آید
چنین واقعه مستحکم دارد ناچار است با شرکتی که از
اندازی حدیث هواییان سابق خدمت دارند با اینها
وقت نمکند ما این شرکتی که در این زمین چندین خط
سرسوس دارند دست کم برای سرسوس های ملی ایران و
ممالک هموار و اولیای این وقت بکنند شامش بگوین
صفت وقت یک چنین شرکتی را در مقابل آنها که همه
که در آزادی دارند بنده این امری است که باید در مسائل
داشتند تا قدر کم سرسوس مقرراتی از این مملکت
شأن نمکند اما این امر باید با اینها همان غذا
همان مصلحت و همان مصلحتی که در طیاره های
دیگر مهندسی اینها به ندهد و حق مصلحتی و در مصلحت
از این اشکاف خانها میانی و مقررات غیر لغی است و
تکنیکی هم باید بدهد در اجابت در وقت وقت لغی است
تکنیکی اینها بیشتر از این باید حقیقتی را که در وقت
خبره های باید از این و بیایس سر و ناچار است مشغول
این امر به مصلحتی مصلحتی مصلحتی این اشکاف خانها میانی
میوس و اولی و در واقع خلتان است و در وقت مصلحت
میکنند این اشکاف خانها میانی مصلحتی مصلحتی مصلحتی
حق میگرد این اشکاف خانها میانی مصلحتی مصلحتی مصلحتی
به ندهد اشکاف خانها میانی مصلحتی مصلحتی مصلحتی
فرمودند مصلحتی مصلحتی مصلحتی مصلحتی مصلحتی مصلحتی
فقط در مملکت است که در مملکت است که در مملکت است
از این اشکاف خانها میانی مصلحتی مصلحتی مصلحتی مصلحتی

مواز ۶۰۰ و ۶۰۰ نفره که کمر مرخصت دارد که تعداد خدمت‌های هوایی را کم کرده معنی است این چیز آزادی نیست و ... من می‌خواهم خدمت‌های هوایی را محدود بدارم و فقط برای بارها که پیشین در آن مشغول بودم. رئیس - پیشینه دادن را پس گرفتند آقای دکتر مین . دکتر مین - نه پس گرفتند . رئیس - سایرین به ماده ۱۰ رأی می‌گیریم خواهی یا آقایانیکه موافقت خواهی می‌کنند قیام فرمائید اکثر برخاستند! خوب شد آقای رامیدینهاد حذف ماده ۱۰ را پس گرفتند . وادین - بدین گرفتند . رئیس - پیشینهاد آقای دکتر مین در ماده ۱۰ اثرات می‌شود .

اشرح زیر قرائت شد

بناست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد میانمای برعهده می‌باشد و ماده ۱۰ را باید تا حد تأسیس شرکت هوایی ملی ایران صورت زیر اصلاح شود: **تیمبره ۳ -** شرکت مزبور مجاز است نمایندگی کامل شرکت و مؤسست هوایی ملی خارجی را داشته و اداره نماید و بر اساس این حدود و با حفظ اختیار مقامات به مؤسست اشخاص صلاحیت و کارگزاران را تعیین . رئیس - آقای دکتر مین تومنج دیگری دارید ؟ دکتر مین - توضیحی ندارد . رئیس - ما این پیشنهاد مخالفی نیست ؟ آقایاری نقد این یکبار دیگر این پیشنهاد قرائت می‌شود .

اشرح فوق قرائت شد

رئیس - به این پیشنهاد رأی می‌گیریم خواهی یا آقایانیکه موافقت خواهی می‌کنند قیام فرمائید اکثر برخاستند! خوب شد پیشنهاد بعدی قرائت می‌شود .

اشرح زیر قرائت شد

تیمبره ۴ - نمایندگی‌های آنکه در خارج تعیین می‌شوند شرکت هوایی ملی ایران تشکیل شده اند مشمول

مقررات این ماده می‌باشند و می‌توانند با رعایت مقررات مربوطه شرکت هواپیمایی ملی ایران را در بکار خود راه دهند .

دکتر مین

رئیس - آقای دکتر مین بر فرماید

دکتر مین - بنده فقط تقاضای این است که تازید تأسیس درست نوشته می‌شود و قسمت دوم را فرمایش جناب آقای درامر .

رئیس - پیشنهاد اینست و تغییر داد .

دکتر مین - بنده حق دارم و هر قمشش را می‌توانم پس بگیرم .

رئیس - این نامعمول بود پیشنهاد اینست می‌شود .

دکتر مین - ولی عینا که خوب می‌شود .

رئیس - اگر می‌خواهید پیشنهاد اینست می‌شود یکبار دیگر پیشنهاد قرائت می‌شود .

اشرح سابق قرائت شد

خواججه نوری - اشکالی ندارد . رئیس - باقی‌بمانده مقرراتی ندارد ؟

چندرقرانزمانیاندگان - خیر . رئیس - به این پیشنهاد رأی می‌گیریم خواهی یا آقایانیکه موافقت خواهی می‌کنند قیام فرمائید اکثر برخاستند! خوب شد .

رئیس - به این پیشنهاد رأی می‌گیریم خواهی یا آقایانیکه موافقت خواهی می‌کنند قیام فرمائید اکثر برخاستند! خوب شد .

رئیس - ما این پیشنهاد مخالفی نیست ؟ آقای درامر . پیشنهادی دارید ؟

دکتر مین - به پیشنهاد می‌مانم .

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر مین قرائت می‌شود .

اشرح زیر قرائت شد

بناست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد میانمای ماده ۱۰ را باید تا حد تأسیس شرکت هوایی ملی ایران صورت زیر اصلاح شود: **ماده ۱۰ -** شرکت هوایی ملی ایران شرکت

سهامی می‌شود و پس فرد گامه هر آرد که ندهد سه آن متعلق بنویسند است زیرا در حد با نظر فرم‌های این معاف می‌شود .

دکتر مین

رئیس - این که ماده ۱۰ که خوب شد می‌شود

دکتر مین - ماده ۱۰ مربوط سقوط کمرکی است این بازمانده هیچ تفریحی ندارد بنده منظور که در پیشتر بیون بر من کرد در حالتی که رأی می‌شد با یاداده شود اگر در آمدی نباشد که چیزی می‌سیرد از زده به داخل آن .

رئیس - نظر من اینست که چیزی می‌بینی شده است .

دکتر مین - نظر من اینست که چیزی می‌بینی ؟

آقای دکتر کجی بر فرماید .

دکتر کجی (معاون وزارت راه) - بنده فقط می‌خواستم آقای دکتر خواهش کنم که توجه داشته باشند

که این تیرمه ۴ ماده ۱۰ شامل باشکند خرابی هم می‌شود

و دستکام خرابی هم شاملور که آقای خواججه نوری توضیح

کافی داده بلشکوه تربیت یعنی و ورزشی بسیار محروم

هم می‌شود توجه است کما که آرا از این معنیت محروم

کنیم خیلی قابل توجیه هستند این است که استدعا کنم

موافقت فرمائید که همین صورت که گواش شد خوب می‌شود

می‌شود (دکتر مین - به شرکت اگر در آمد ندارد که چیزی

نمده مؤسست که در هوایی ملی فعالیت دارند همه هدف

هستند حتی خارج‌جهانی که ما بسازد در امر هوایی ملی فعالیت

دارند معاف کردنم فقط حاس بشود مؤسست ایرانی

را معاف کنیم برای اینکه معنیت در جدی

خوبش باقی است حضورت چنان‌بسیار موافقت می‌فرمائید که شرکت BOACC بر آمدی که در

این مملکت تحصیل میکند زیرا درخت ملیت معنیت دارد

رئیس - به پیشنهاد آقای دکتر مین رأی می‌گیریم خواهی یا آقایانیکه موافقت خواهی می‌کنند قیام فرمائید اکثر برخاستند! خوب شد پیشنهاد بعدی قرائت می‌شود .

اشرح زیر قرائت شد

ماده ۱۱ - به شرکت هوایی ملی ایران اجازه داده می‌شود تا اشیا، متحرک و غیر متحرک را توسط هواپیماها بیاورد و ترخیص کند کمرکی ممنوع الورد باشد یا رعایت ماده ۱۰ این قانون را سایر مقررات مربوط برای صرف خود و خارج کشور نرود نماید .

اول - هوایی و موتور و قطعات متعلقه و متعلقه

دوم - وسائل و آلات و ادوات و تجهیزات و دستگه

های مربوط به هوایی و موتور هواپیما .

سوم - وسائل مخازنی برای رادیویی (هم از فرستنده

و گیرنده) و ادوات و قطعات متعلقه آنها که در هوایی و یا

انمود مربوط به هوایی است بکار می‌رود .

چهارم - دستگه‌ها و وسایل که در برای آماده کردن

هوایی می‌شود و همچنین وسائلی که برای تعمیر و یا

تعویض قطعات هوایی و موتور هواپیما بکار می‌رود .

پنجم - مواد نفتی و روغن‌های و کربن و متانول که

برای سوخت و روغن کاری و آمیز کردن موتور و سایر

مصارف هوایی بکار می‌رود به‌استثنا مواد سوختی که

در داخل کشور تهیه می‌شود .

ششم - دستگه‌ها و وسایل که برای ساختن قطعات

هوایی و موتور هواپیما بکار می‌رود .

هفتم - وسائط نقلیه موتوربی و غیر موتوربی (به

استثناء) وسایل سواری و جیب‌جیب اشتین و کلبین و رادیوس (معمولی) تجهیزات و وسایل و متفرقات و کلبین و قطعات متعلقه آنها که انحصاراً برای حمل یا پیاده و سوار کردن مسافر و یا محموله و نقلیه و بارگیری هوایی بکار می‌رود هم از این ماده در داخل و خارج هوایی مورد

دکتر مین - خیر

استفاده فرایگیر مشروط بر اینکه وسائط نقلیه مربوط در آن کشور ساخته شود.

هشتم - و همچنین که در آن کشور هوید می رسد خدمت و دیواری وید استنداده مدرفین و سر نشینان هوید میگز میورد معاملات ثبت هوید می آئی برای آن مشخص باشد. **تیسره** - مؤسست مذکور در بند ۲ ماده ۵ این قانون از اجاره و معاقباتی مصرحه بریده های این لغایت پنجم این ماده در حدود احتیاجات خود برخوردار میگردند.

تیسره - بشکاه خلیانی هوید می آئی کشور علاوه بر استقاده از مفاد بند ۱ فوق از اجازه و معاقبت بند ششم این ماده نیز برخوردار میگردد همچنین مجازات هوید می آئی بی موثر و دستکاه کشته شده و هوید می آئی مدنی و وسائط نقلیه و کئی آنها را با رعایت ماده ۱۰ این قانون از خارج کشور وارد نماید.

رقیب - در ماده ۱۱ مقرر نیست (انتزاعی باشد) ماده ۱۱ رأی میگیریم خانها و آقایان کیمواقتند خواهش میکنم قیام فرمایند (آنگر برخاستند) صوب شد صدای ۱۲ قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

ماده ۱۲ - شرکت ملی نفت ایران مکلف است از تاریخ اول فروردین ۱۳۴۵م هجری قمری مواد سوختی و متان مورد نیاز هوید می آئی شرکت هوید می آئی ملی ایران را به نرخ فروش داخلی قبل از تاریخ ۳۱ آذرماه ۱۳۳۶ و در صورت عدم وجود ابراج وید ویدایش فرآورده های جدید به نرخ متناسب با آن چه ی قبل از تاریخ مذکور با رعایت ماده ماده ۱ این قانون و معاقبت از هر گونه اضافه بها با شرکت مذکور محاسبه نماید.

تیسره - شرکت ملی نفت ایران مکلف است از دریافت اغازت کشته معارف شرکت هوید می آئی ایران و سرویس فرودگاه بنف شرکت هوید می آئی ملی ایران صرف نظر نماید.

تیسره - مؤسست مذکور در بند ۲ ماده ۵

از تاریخ تصویب این قانون از تاریخ هجری قمری مواد سوختی و متان مذکور در این ماده استقاده خواهد نمود مشروط بر اینکه نسبت به مشخص اراده کن هوید می آئی کشور ی عدالت مقفله و نظری باشد.

رقیب - چون وقت نزدیک به اتمام است ما اجازه خانها و آقایان بقیه بمنت در جلسه آینده مدمو کول میگردیم.

۷- قرائت دستور و تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

رقیب - دستور جلسه آینده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

دستور جلسه روز پنجشنبه ۱۳۴۴/۱۲/۲۶

۱- گزارش شوره در مورد لایحه مربوط به اداره امور دارائیکه مشتمل بر نظر لفظ حیات امضاء - شماره چاپ ۱۳۳۲

۲- گزارش شوره در مورد لایحه مربوط به نظریه تقویم و تنظیم کارهای مورد نیاز سد فرحناز پهلوئی (اشکان) شماره چاپ ۱۳۳۲

۳- گزارش شورای دول در مورد لایحه قرار داد اقامت و در با نوردی بین دولت ششماه ایران و دولت فرانسه. شماره چاپ ۱۳۳۸

۴- گزارش مربوط به لایحه تقویمهای ششم ماهوین وزارت امور خارجه. شماره چاپ ۱۳۳۸

۵- اخطاریتهائی نسبت به بوجه سال ۱۳۴۵ کل کشور.

رقیب - معاضد که خانها و آقایان اطلاع یازند بوجه سال ۵۵ کل کشور در مجلس شورای ملی تصویب شده است و در مجلس است امروز نامه میشود اگر تغییراتی کرده اند اصلاحی آن خدمت خانها و آقایان فرستاده خواهند شد و نسبت به آن در جلسه پنجشنبه اخطاریتهائی بعمل خواهند آمد با اجازه خانها و آقایان جلسه امروز را ختم میکنیم سادشانه جلسه نهم داشت جلسه آینده ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه خواهد بود (پسحامت بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رقیب - مجلس شورای ملی - مهتلس عیالها دیانی

سؤالات

رئیسست معتمد مجلس شورای ملی

هو مود است دستور فرمایید به دولت اطلاع شود: برای پاسخ سؤال زیر در مجلس شورای ملی حضور بهم رساند از آقای اطلاع در جنمصل اخیر جمعی افراد در اسهان و صومعه تعدادی از زمینهای موات و بیرو خاصه را با انان با همی مأمورین استنداده و بعد از آن سرور آنها بخواهند اداره است اطلاع شود:

۱- در چه مناطقی در اسهان ایالت وجود تعداد ششم و این تجاوز از طرف چه کسانی صورت گرفته است؟

۲- دولت برای حفظ اموال عمومی در این برهان آثار حفاظتی کنی شده چه اقدامی نموده است؟

بناقصم احترام - دکترو وحیدیا ۲۲/۱۲/۳۲

o o o

رئیسست معتمد مجلس شورای ملی

لغفاً دستور فرمایید دولت اطلاع نمایند برای پاسخ به سؤال زیر در مجلس شورای ملی حضور بهم رساند طبق اطلاع واصل جمعی مرد بیفرست طلب و موجود در زمینهای اشرف اسفهان بالاخص ناطقی که در مجاورت محل کارخانه نوبیا آهن قرار گرفته صرفاتی نموده و زمینها را تحسب کرده اند لطفاً از این امر اطلاع شود:

۱- برای جلوگیری از این تجاوزات نادوا چه اقدامی بعمل آمده است؟

۲- متجاوزین چه کسانی هستند و علت مسدودت به این عمل چه بوده است؟

۳- آیا تا کنون از طرف دولت برای جلوگیری از این عملیات تجاوزانه اقدامی بعمل آمده است یا نه؟

بناقصم احترام - دکترو وحیدیا ۲۲/۱۲/۳۲

اداره چاپخانه مجلس شورای ملی